

# آذربایجان

بشینیچی دؤره (دوره پنجم) ۵۰ - نجی نمره (شماره ۵۰) ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان آبان ۱۳۸۷ ص ۱

فریدون ابراهیمی

دادستان کل آذربایجان

۱۳۲۴-۱۳۲۵

آذربایجان صحبت میکند...

چند ورق درخشان از تاریخ پر افتخار ما

مقدمه

« ای آذربایجان لایموت سرت را بلند دار و زنده و یا بنده باش...»

(شیخ محمد خیابانی)

خیال نداشتم نوشته های فاقد اساسی علمی و سرتاپا افتراهای ننگین پاره ای از روزنامه های مرکز و عده ای از نویسندگانی که کوس رسوائیشان بر سر هر کوی و برزن نواخته شده و گذشته تیره و نالایقشان بر همه روشن است، چیزی بنویسم. اینان در گردابی از موهومات غوطه ورنند و سرتاسر محیط فکرشان را دیواری از جهل و تعصب فرا گرفته که آنها را از درک و مشاهده حقایق و واقعیات باز می دارد. سم سیاستهای شوم استعماری چنان در عروق آنها مؤثر افتاده که آنها را از تشخیص راه حقیقی نجات و آزادی باز می دارد.

با هر پست مقداری از این اوراق سیاه که هدف و منظوری جز تحریک و اغوای افکار عامه و کمک به ادامه و توسعه سیاست های شوم استعماری ندارند، بدست ما میرسد. محتویات غرض آلود این ورق پاره ها و گستاخیهایی که بعضی از نویسندگان معلوم الحال مرکز نسبت به افکار عمومی آذربایجان روا می دارند. در آذربایجان هر خواننده عادی را دچار بهت مینماید. در اینجا مردم به عقل گرد این عروسکها و آلتهای بی اراده سیاستهای استعماری می خندند و آنها را با تمسخر خونسردانه ای تلقی مینمایند...

ما از تهران انتظاری هم جز این نداریم. اهانتهایی که از طرف روزنامه های مرکز به جامعه و ملت و افکار عمومی آذربایجان وارد میاید تازگی ندارد.

این سیاست تغییر ناپذیر و دائمی تهران نسبت به آذربایجان در دوره های مختلف بطریق گوناگون تعقیب شده و بر حسب مقتضیات هر دوره بر نگاهی مختلف جلوه گری نموده است. رمانی با کشتن و از بین بردن مجاهدین و فرزندان غیور آذربایجان قهرمانان انقلاب مشروطیت، موقعی با تحقیر آداب و رسوم و حفه کردن زبان ملت آذربایجان، دوره ای با پیش بردن و اجرای سیاست اختناق، قلدری و ترور افکار در پی اجرای این منظور بوده اند حالا هم بطریقی که حکومت مرکزی تهران عمل می کند و راهی که دلالتان سیاستهای استعماری نشان می دهند و روزنامه های مرکز هم بعضی ها دانسته و بطور عمد و برخی ندانسته و بلا اراده به این نقشه های شوم کمک می کنند، در صدد پیش بردن و اجرای این مقاصدند.

ما حوصله جواب دادن به این یاوه سرانثیها را نداریم و وقت خود را که در راه آزادی ملت آذربایجان و استقرار یک دموکراسی حقیقی برای نجات مردم ستمدیده این سامان بکار می بریم، گرانیهتر از آن میدانیم که به این ترهات پاسخ بدهیم. زیرا این نوشته ها صرفا فاقد پایه و اساس علمی است و چیزیکه فاقد اساس علمی شد قابل جواب و بحث نمی تواند باشد.

جای بسی تاسف که از میان کسانی که قلم بدست گرفته و هر چه به فکر نارسایشان رسیده در باره وقایع اخیر آذربایجان نوشته اند، کسی را نمی بینیم که در این باره زحمت مطالعه و تحقیق به خود بدهد و از روی عدم تعصب و با نظری صائب حقایق تاریخی و تحولات احتراز ناپذیر طبیعی ملتهای زنده را مورد بحث قرار دهد.

شتی ماجراجو بدون پروا بر علیه زبان و فرهنگ و ادبیات ملت آذربایجان قلمفرسائی میکنند و با کمال وقاحت هزاران اهانت ناشایست نسبت به زبان و آداب و رسوم ما وارد میاورند، ما را ملتی بدون تاریخ قلمداد مینمایند. ملت ما را تحقیر می کنند، ما را فاقد مدنیت معرفی می نمایند، ما را مخالف قانون اساسی می شمارند.

اینان احیاء زبان مادری و در خواست اجرای مواد اصلی و فراموش شده قانون اساسی و اقدام به اجرای اصول دموکراسی حقیقی را مخالف با قانون اساسی یعنی خون بها و ثمره جانباریهای مجاهدین و فرزندان غیور و شرافتمند آذربایجان قلمداد می نمایند! چرا؟! برای اینکه اینها دانسته یا ندانسته آلت اجرای سیاست شوم استعمار و اختناق ملت‌های کوچک شده اند و برای ملتها حق حیات، آزادی و دفاع از حیثیت و استفاده از حقوق ملی قائل نیست.

ما اینگونه نوشته ها را قابل بحث و جواب نمی دانیم. فرقه دموکرات آذربایجان از بدو تشکیل و از همان لحظه ای که رهبری ملت پر افتخار آذربایجان را بسوی آزادی و دموکراسی حقیقی بعهده گرفته، میدانست که دلالت سیاست استعماری در ایران و خارج از ایران در برابر این نهضت عظیم و مقدس که ارکان نقشه های پلید و اندیشه های مسموم آنان را متزلزل خواهد ساخت، بیکار نخواهند نشست و از هر وسیله ای که در دسترس دارد، خواه روزنامه های مزدور و خواه رادیو های تحت نفوذ، برای مبارزه با نهضت ما استفاده خواهند کرد ولی نهضت ما یک نهضت ملی است. نهضتی است که کلیه طبقات مردم آذربایجان در آن شرکت کرده اند و از راهی که در پیش گرفته اند تا وصول به مقصد نهائی بر خواهند گشت. این نوشته های افترا آمیز و موهن روزنامه ها و نویسندگان تهران حاکم از تعصب به حدی است که مولود جهل و نادانی و غوطه ور بودن آنان در دریایی از موهومات است و نشان می دهد که هنوز مدافعین و ادامه دهندگان سیاست قدری رضاخانی میکوشند تاریخ تحمیلی و ساختگی خود را بر ملت ما بقبولانند.

در نتیجه نفوذ و تاثیر سیاستهای اختناق وضعی پیش آمده که حتی امر بر کسانی که از عوامل انحراف تاریخ ما بوده اند و خواسته اند با سلب هر گونه افتخارات تاریخی از ما و نیاکان ما شخصیت تاریخی ما را از بین ببرند مشتبه شده و امروز بامضای آنها چیزهایی در صفحات روزنامه های پایتخت دیده میشود که دلیل واضحی بر سبک مغزی آنها است. اینها غافلند از اینکه تاریخ ملتی را با هیچ قوه ای نمیتوان دگرگون جلوه داد، با پرده ای از موهومات و افسانه ها روپوش کرد و از انظار پوشیده داشت.

افتخارات تاریخی یک ملت را نمی توان سلب کرد، زیرا یک ملت لایق و زنده بالاخره ماهیت حقیقی خود را نشان میدهد و دیر یا زود غلفهای هرزه ای را که در دور و ورش سبز شده اند از خود دور می کند.

مقصود من از نوشتن این یادداشتها اینست که اولاً یابو سرایان تهران را سر جای خود بنشانم. ثانیاً از حقوق و تاریخ و مدنیت درخشان ملت آذربایجان و پر افتخار خود دفاع کرده نشان بدهم که کیست - سابقه تاریخیش چیست و نیاکانش چه کسانی بوده و در راه دفاع از حیثیت ملی خود چه فداکاریها نموده اند. میخوام هویت حقیقی ملت آذربایجان را که امروز برای تحصیل مقام و موقعیت واقعی خود در جامعه آزاد و سعادتمند بشری مردانه قیام نموده است، بدنیای آزاد اعلام بدارم. میخوام نشان بدهم که آذربایجان در تاریخ مدنیت بشری چه مقامی داشته و چگونه قرنهای متمادی در زیر اسارت دولتهای غاصب و بیدادگر بسر برده و اینکه دوباره برای تحصیل آزادی و حقوق خود قد بر افراشته است. این یادداشتها از روی هوی و هوس و تعصب تهیه نشده، بلکه حقایقی است که از روی اسناد و مدارک تاریخی و روی پایه و اساس کاملاً علمی بنا شده و از روی اصول تحقیقات جدید جمع آوری گشته است.

بدیهی است برای عده ای از خوانندگان که فریب تاریخهای دورغ و غیر علمی و افسانه های موهوم را خورده اند، مطالب این یادداشتها کاملاً تازگی خواهد داشت.

زیرا کتابهایی که بنام تاریخ در آموزشگاههای ما تدریس میشود به اندازه ای تغییر شکل داده شده و از جامه حقیقت بیرون آمده که بسیار مشکل است جوانان ما بدرک حقایق نائل آیند و به مقصودی که از خواندن و یاد گرفتن تاریخ در نظر است، برسند.

آنهايي که اسم خود را مورخ گذاشته و بدون توجه به میزان جنایتي که مرتکب میشوند کلیه قوای خود را صرف دروغ پردازیها و اختراع و افسانه های موهوم مینمایند، باید این موضوع را در نظر بگیرند که با این دروغها قادر به فریب علم نخواهند شد.

اینگونه انحرافات در تاریخ قدیم ایران بسیار دیده میشود. زیرا عده ای از نویسندگان بی اطلاع بسیاری از مسائل اساسی را تغییر شکل داده و بصورتی در آورده اند که مورد مسخره دنیای امروز قرار گرفته است. از جمله در مورد تاریخ قدیم ملت آذربایجان طوری صحبت کرده اند که گویا این ملت اساساً داری تاریخ نبوده و کلیه افتخارات تاریخی را از ملت ما سلب نموده اند. ولی امروز ما می توانیم به نیروی علم ثابت کنیم که ما ملتی دارای تاریخ مستقل، پر افتخار و مدنیت باشکوه قدیمی میباشیم. هدف اساسی ما از نوشتن این یادداشتها اثبات این موضوع اساسی است. باشد که این یادداشتها منادیان افکار عمومی ملت آذربایجان را بر آن وادارد که در راه احیای افتخارات تاریخی و اهمیت و ارزش مدنیت باشکوه باستانی ملت ما، قدمهای بر جسته تری بردارند.

## آذربایجان زیبا و ثروتمند است

آذربایجان سرزمینی است زیبا و پر ثروت، داری آب و هوای معتدل و به این جهت از همان زمانهای قدیم برای زندگانی مستعد بوده و در پرتو این استعداد طبیعی توجه نیاکان ما به این سرزمین پر برکت جلب شده بود. موقعیت طبیعی و اوضاع جغرافیایی آذربایجان این خطه را یکی از پر نعمت ترین و جالبترین مناطق کره زمین قرار داده در این سرزمین اختلاف آب و هوا موجب پیدایش مناطق جغرافیایی گوناگونی گردیده و این محیط را مستعد کشاورزی و پرورش دامهای اهالی ساخته و برای نشو و تکمیل یک تمدن بزرگ حاضر نموده است.

کوههای بلند و گردنکش پوشیده از برف، بیشه ها و جنگلهای سبز و خرم، چشمه ها، نهرها و رودخانه های متعددی که از هر سوی این طبیعت پر نعمت و زیبا را در بر گرفته و کوههای با عظمتی که کانهای گرانبهای آهن، مس، نقره و طلا و غیره در آغوش خود نهفته است، این قطعه را بصورت بهشتی در آورده است.

آذربایجان گهواره «طلای سیاه» و میهن نفت است. در اینجا انواع مختلف جانوران و پرند ه های نادر و کمیاب جهان وجود دارد.

در جنگلهای پهنای و زیبای آذربایجان انواع پرند ه ها و در دریا و رودخانه هایش انواع مختلف ماهیها و در چمنزارهای دلربایش گلهای قشنگ شفافش هر بیننده را از خود بیخود می کند.

به این جهت اگر آذربایجان را با کشورهای قدیم پر نعمتی مانند مصر مقایسه نمایم بدون تردید راه اشتباه نه پیموده ایم. آذربایجان سرزمین آتشیهای مقدس جاودانی است. در هر وجه این خاک عزیز یادگارهای فراموش نذنی نیاکان پر افتخار ما باقی است. آثار آتشدکه های مقدس و باقیمانده دژهای با عظمت دیرین آن نشانه های بارزی از ایمان و روح پاک و قهرمانی نیاکان بزرگ ما است.

سرزمین آذربایجان نظر به موقعیتی که در قبال کشورهای مجاور جنوبی و شمالی داشته و نظر به مرکزیتی که برای ارتباط این دو قسمت دنیای متمدن امروز حائز بوده از همان دوره های دیرین بصورت یکی از مراکز بزرگ و اساسی اقتصادی و سیاسی جهان در آمده، زیبایی و ثروت های طبیعی این سرزمین از طرفی و این شرایط و موقعیت بی نظیر اقتصادی و سیاسی از طرف دیگر اهمیت مخصوصی را برای تاریخ ملت ما ایجاد کرده و در میان ملت های بانی فرهنگ و تمدن بشری مقامی بس ارجمند برای ملت قهرمان آذربایجان پدید آورده است.

## مادها، نیاکان بزرگ ما

بموجب تحقیقات عمیقی که از روی اصول علمی جدید درباره تاریخ و مدنیت ملت آذربایجان بعمل آمده این نقطه ثابت شده است که ملت آذربایجان یک ملت بسیار قدیمی بوده و گذشته درخشان و پر افتخاری دارد. مخصوصا نتایجی که محققین و باستان شناسان معروف در آذربایجان بدست آورده اند نشان می دهد که نیاکان ما کلیه مراحل تاریخی را در این سرزمین گذرانیده و از چهار هزار سال پیش مردمی که در سرزمین آذربایجان بسر میبردند، به پرورش دامها، کشاورزی، ساختن ظروف و آلات سفالین و همچنین به ساختن استحکامات و مواضع دفاعی آشنائی داشته اند.

از نوشته ها و آثاری که از قرن نهم پیش از میلاد به خط میخی باقیمانده معلوم میشود که در میان طوایف و اقوام ساکن آذربایجان قویتر و مقتدرتر از همه نیاکان آذربایجانیهای امروز یعنی مادها بوده اند.

مادها، نیاکان بزرگ ما که در تاریخ بشری نقش مهمی را بازی کرده اند. هشتصد سال پیش از میلاد موفق به تشکیل دولت مستقل نیرومند گردیده و در آن موقع از طرف شمالغرب با دولت «اورارتو» (وان) و از طرف غرب با دولت آسور هم سرحد و همسایه بوده اند. در آن موقع در ناحیه خاوری ماد قوم پارس بسر میبرد. مادها از لحاظ فرهنگ و تمدن با مترقی ترین اقوام آنروز یعنی آسوریها و بابلیها برابر و همپایه بودند. ولی تحقیقات تاریخی نشان می دهد که قوم پارس از نظر مدنیت و طرز زندگانی نسبت به مادها خیلی عقب تر بوده است. در این دوره سرزمین ماد همواره در معرض حملات استیلاجویانه قرار داشت و به این جهت از طرف نیروهای آسوری اشغال شده و مادها خراجگذار سلاطین آسوری بوده اند.

## در راه تحصیل آزادی و استقلال

بتدریج در کشور ماد تشکیلات قبیله ای از بین رفته و جای خود را به یک جامعه مترقی متکی به طبقات مختلف ملت واگذاری می نمود. در کلیه شئون اجتماعی و سیاسی ترقیات بزرگی بعمل می آمد تنها مایه ناراحتی مادها قرار داشتن در زیر اسارت و تسلط جابرانه آسوریها بود. به این جهت عموم مادها از بزرگ و کوچک برای تحصیل آزادی و استقلال بجان

می کوشیدند و بالاخره بر علیه قیادت و تسلط آسوریها قیام کرده و در پرتو مجاهدتهای درخشان و قهرمانیهای فراموش نشدنی موفق گردیدند دولت مستقلی برای خود تشکیل دهند و زنجیر اسارت از پای خود و بسیاری از ملت‌های اسیر آنروزی

بر دارند. بطوریکه از سنگ نوشته های سلاطین آسوری معلوم می گردد در سالهای 829-835 قبل از میلاد و هم چند در سنوات بعدی جنگهای شدیدی بین مادها و آسوریها جریان داشته و عموم دنیای آنروز این مبارزات را با دقت و علاقه زیادی تعقیب می کردند. زیرا عموم ملت‌های اسیر سرپنجه بیداد آسوریها بودند. ولی هیچکدام قدرت و یارای مبارزه و مخالفت با آن دولت قوی و جنگجو را نداشتند. رشادت ملت ماد در طی این مبارزات از نوشته های « هرودوت » مورخ معروف یونانی معلوم و آشکار است.

« هرودوت » می نویسد: « اول ملتی که سر از اطاعت آسوریها پیچید، مادها بودند. اینها برای آزادی جنگیدند و رشادتها نموده، از قید اسارت آزاد شدند. مادها با بر افکندن کاخ ظلم و گرفتن آزادی مردانگی خود را به اثبات رسانیده مشقی برای سایر ملت‌های اسیر گردیدند. پس از آن سایر مردمان نیز به مادها تاسی جستند و بزودی تمام مردم قاره آسیا آزاد و مستقل شدند... » ( کتاب 1 بند 96 )

مادها رها کننده تمدن و فرهنگ ملت‌های خاور نزدیک از خطر انهدام بدست اسیتلا جویان آسوری شمرده میشوند و این موضوع که مورد تصدیق عموم مورخین دنیای قدیم و جدید میباشد، از جمله افتخارات درخشان و فراموش نشدنی نیاکان بزرگ ما است. زیرا آسوریها یک ملت بسیار کوچک و در عین حال قسی القلب بودند و چون قدرت و توانایی اداره سرزمینهای متصرفی خود را نداشتند به ویران ساختن اراضی متصرفی و اسیر نمودن مردم و اقوام مغلوب می پرداختند و بطوریکه کلیه مورخین تصدیق کرده اند آسوریها به تعداد اسیران خیلی اهمیت می دادند. زیرا آنها را برای ساختن کاخها و ابنیه بزرگ به کار می بردند و در بردگی نگاه می داشتند.

مادها برای رهایی از چنگ اسارت آسوریها چندین بار قیام نموده و مجاهدتهای بیشمار بخرج دادند. ولی نظر به اینکه علاوه بر آسوریها که در مغرب سرزمین ماد بودند، اقوام متعدد دیگری بنام « سکاها » در شمال ماد بسر میبردند و همواره خاک ماد را مورد تعرض قرار می دادند، به این جهت مقابله با دو دشمن قوی و نیرومند دشواریهای بزرگی برای ملت ماد ایجاد میکرد. از جمله یکی از علل اساسی موفقیت و غلبه « تیگلات پالاسار » پادشاه آسوری در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد در نبرد بر علیه مادها این بود که مقارن نبرد بین مادها و آسوریها « سکاها » یعنی اقوامی که از رود « لگا » تا رود « دون » و دریای سیاه بحال کوچ نشینی بسر میبردند، به سرزمین ماد تاخت آوردند و به این ترتیب کمک بزرگی به آسوریها رسید و مادها توانائی جنگ در دو جبهه را نداشته و بالنتیجه پس از مبارزه های طولانی و فداکاریهای زیاد شکست خورده و مجدداً باجگذار آسوریها گردیدند. ولی بعدها اوضاع و شرایط تغییر می یابد و مادها در پرتو تحکیم تشکیلات سیاسی و نظامی خود موفق میشوند در تعقیب یکرشته جنگهای مردانه به تحصیل آزادی و استقلال کامل نائل آیند و از سرزمین عزیز و حقوق ملی خود دفاع نمایند.

## ترقی و توسعه ماد

بعد از آنکه مادها در مبارزه بر علیه اشغالگران خارجی فائق آمدند، دولت مستقل خود را تشکیل دادند. هرودوت و سایر مورخین یونان قدیم بر این عقیده اند که دولت ماد اولین دولت بزرگ آسیایی است که به تحصیل استقلال و تشکیل یک حکومت نیرومند و اداره یک قلمرو پهناور نائل آمده و اساس مدنیت عظیمی را گذاشته که در دنیای قدیم نظیر آنرا باشکال میتوان پیدا کرد.

بموجب نوشته های مورخین یونانی اولین پادشاه ماد « دیوک » بوده. این کلمه در نوشته های میخی آسوری بشکل « دیاکو » درج گردیده است. « دیوک » به تصدیق عموم مورخین بزرگ مدبر و سیاستمدار عاقل و ماهری بوده و در سایه حسن تدبیر و فعالیت خود نه تنها به اختلافات داخلی پایان داده و اساس حکومت ماد را تحکیم کرد، بلکه در سیاست خارجی رفتار با ملت‌های دست نشانده نیز نهایت حسن تدبیر را نشان داده است.

آقای مشیر الدوله پیرنیا در کتاب ایران باستان خود می نویسد که دیوک ( دیوکس ) اصلاحات اساسی در وضع دادگستری و رسیدگی بعرایض و شکایات مردم بعمل آورده و تماس او با مردم بحدی بود که شخصا به کلیه این عرایض رسیدگی میکرد و دستورات لازم را میداد و میزان مجازات مقصر را تعیین میکرد.

بعد از « دیوک » پسرش « فرهاد » ( این اسم در کتاب هرودوت « فرآرتس » و در کتیبه داریوش « فرورتیش » ضبط شده است ) این پادشاه در طی سلطنت طولانی خود سیاست مدبرانه پدر را تعقیب کرد. اقوام پارس و کلیه اقوام دیگر را تحت اطاعت خود در آورد و با سلاطین آسوری جنگهای متعددی کرد و نیروی مسلح بزرگی را برای حفظ کشور ماد ایجاد نمود.

بعد از مرگ « فرارنش » ولیعهدش « سیاکسار » بجای او بر تحت سلطنت نشست. این اسم را هرودوت « کو آکسار » نوشته و در کتیبه داریوش « هوخ شتر » ضبط گردیده است.

سیاکسار پادشاه بزرگ و مدبری بود و در دوره حکمرانی 50 ساله خویش اصلاحات اساسی در شئون مختلف زندگانی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ملت ماد پدید آورد.

« مشیر الدوله پرنیا » درباره این پادشاه می نویسد: « این شاه یکی از شاهانی است که ساکس خوبی بوده اند و نظریشان در تاریخ کم است... » سیاکسار پس از استقرار بر اریکه سلطنت متوجه موقعیت بسیار حساس همسایگان ماد شده، نخست به تقویت و اصلاح امور ارتش پرداخت و یک ارتش مسلح دائمی ایجاد کرد که از سواره نظام ماهر و پیاده نظام چابکی تشکیل می یافت. سپس با اقوام و دولتهای نیرومند همسایه که اهم آنها سکاها، آسوریها و لیدیها بودند به مبارزه پرداخت و در همه جا موفقیت یافته قلمرو ماد را توسعه داد.

هرودوت می نویسد: « سیاکسار کلیه مناطق آسیای شمالی را تحت حاکمیت خود در آورد. »

سیاکسار برای خاتمه دادن به دوره تسلط جابرانه سلاطین آسوری به « نینوا » مرکز دولت آسور حمله برده و در طی این نبردها به فتوحات درخشانی نائل آمد و نزدیک بود که نینوا سقوط کند. لیکن در این زمان « سکاها » مجدداً از شمال به مادها حمله برده و در صدد تجاوز به سرزمین ماد بودند. بعد از وصول این خبر سیاکسار جنگ با آسوریها را متوقف ساخته بسوی مرزهای شمالی کشور، یعنی دربند حرکت کرد.

نیروهای « سیاکسار » و نیروهای مهاجم سکاها در حوالی شمال باکو یعنی در حدود محال « قوبا » بهم می رسیدند. بطوریکه هرودوت می نویسد سیاکسار قشون سکاها را مغلوب کرده دوباره بطوف نینوا بر میگردد.

این دفعه سیاکسار مقدمات حمله سریعی را بر علیه نینوا فراهم می بیند. بر اثر این حمله مادها مقارن سال 612 قبل از میلاد مسیح شهر نینوا را به تصرف در آورده، دشمنان فرهنگ و مدنیت بشری را در لانه و مرکز خودشان منکوب می سازند و به فجایع خونریزانه آسوریها خاتمه می دهند.

در سال 605 قبل از میلاد یعنی 6 سال پس از تصرف نینوا دولت آسور بکلی از بین می رود و از آن پس هرگز قادر به عرض اندام نمی گردد. پس از مغلوب ساختن آسوریها قسمتی از کشورهای شرق که در زیر استیلای آسوریها قرار داشتند تحت فرمانروایی مادها قرار میگیرند. بعد از این فتوحات دولت ماد توسعه و ترقی زیادی یافته و در میان ملتها و اقوام بزرگ دنیای آنروز دارای مقام بر جسته و اهمیت زیادی میگردد و بهمین جهت است که « م- سپرو » مورخ معروف فرانسوی در اثر مشهور خود بنام « عصر دولت شرقی ماد » بحث مفصلی درباره عظمت ماد و قدرت سلاطین مادی نموده است. مخصوصاً هرودوت معروف به پدر تاریخ در این باره می نویسد:

« سیاکسار نه تنها بدوره فرمانروایی آسوریها خاتمه داد، بلکه دولت یونانی آسیای صغیر را نیز شکست داده و با « آلیوت » پادشاه آن سرزمین قرار دادی بست و دختر وی بنام « آی یه نیس » را بعقد از دواج پسر خود « آستیاک » در آورد. بر اثر این فتوحات سرزمین « اورارتو » ( وان امروز ) نیز ضمیمه ماد گشت و قلمرو دولت ماد به رود « هالیس » ( قزل ایرمان کنونی در ترکیه ) رسید. »

بطوریکه گفته شد سیاکسار عاقلترین و بزرگترین پادشاه عصر خود بود و حکمران مشهور کشورهای شرق و غرب بود. « اسخل » درام نویس معروف یونانی درباره وی می نویسد: « او بانی فرمانروایی بر آسیا است!... » در زمان این شخص که به یکی از « قاندين مواقع مهم تاریخ » معروف شده است، قلمرو ماد بیشتر توسعه می یابد. از نوشته های هرودوت چنین بر میآید که سرحد دولت ماد از جنوب تا بصره از مغرب تا رود هالیس ( قزل ایرماق ) و از شمال تا رشته کوههای قفقاز و از مشرق شهر ری بوده است.

درباب پارس هرودوت صریحاً مینویسد که تا قیام کوروش دست نشانده و مطیع دولت ماد بوده و در پاره کشورهای شرق نیز ظن قوی اینست که این کشورها جزو قلمرو مادها شمرده میشدند و تا حدود رود سیحون تحت اداره حکومت مرکزی ماد قرار داشتند.

### ضربت از پشت سر

پس از مرگ سیاکسار پسرش « آستیاک » بجای او تخت نشست و از سال 858 تا 550 قبل از میلاد سلطنت کرد. در دوره حکومت مادها عده زیادی از طوایف و اقوام مختلف که هنوز صورت یک ملت واحد را بخود نگرفته بودند از جمله پارسها تحت حکومت مادها بسر میبردند.

پارسها از بدو تاسیس حکومت ماد تا پایان سلطنت « آستیاک » تابع دولت ماد و خراجگذار و دست نشانده آن دولت بودند. ( تاریخ ایران باستان تألیف مشیر الدوله پیرنیا )

« آستیاک » پس از قرار گرفتن بر اریکه حکمرانی به تعقیب سیاست و رویه نیاکان خود پرداخته در شئون داخلی کشور اصلاحاتی بعمل آورد « در آن هنگام دولت ماد بزرگترین دولت آسیای میانه و نزدیک بشمار میرفت و ابهتی که « سیاکسار » به ماد داده بود دلالت بر اینکه این دولت آینده درخشانی خواهد داشت » ( پیرنیا ) آستیاک برای حفظ امنیت کشور

خود با دولت بابل نیز بمبارزه پرداخت. زیرا پس از شکست و انهدام امپراتوری آسور لازم بود که از خطرات احتمالی بابلیها نیز جلوگیری بعمل آید. برای این منظور «استیاک» به جانب بابل حمله ور شد. در یک چنین موقعی پارسها که در

تحت حکومت مادها بسر میبردند خیانت نموده و پرچم عصیان بر افراشتند و چون خطرات حاصله از این عصیان شدیدتر بود. به این جهت «استیاک» جنگ با بابلیها را بلا نتیجه گذاشته به مقابله با پارسها شتافت.

درباره یاغی شدن پارسها بر دولت ماد اسناد و مدارکی که در دست است علاوه بر نوشته های هرودوت و کنزیاس لوحه معروفی است که از پادشاه بابل باقی مانده و از مفاد آن چنین استنباط میشود که مادپها در این جنگ نسبت به بابلیها برتری داشته اند. ولی ضربتی که پارسها از پشت سر وارد آوردند دولت بابل را از شکست رهایی داد.

جنگ مادها و پارسها سه سال تمام در نهایت شدت بطول انجامید. این مبارزات در نوشته های میخی بابل درج گردیده و هرودوت نیز در این خصوص اطلاعات دقیق میدهد. این مورخ در اثر معروف خود «تاریخ» اظهار میدارد: «در نبردهایی که بین مادها و پارسها روی میداد، کلیه افراد ملت ماد حتی پیرمردان نیز اشتراک نموده و داد مردانگی میدادند...»

### کوروش کیست؟

سرکردگی پارسهایی علم عصیان بر افراشته بودند با کوروش از نسل هخامنشی بود. درباره این شخص چه در تاریخ ایران و چه در نوشته های پاره ای از مورخین افسانه های عجیب و غریبی دیده میشود. هدف اساسی از این افسانه ها از طرفی وابسته نشان دادن این شخص به «استیاک» پادشاه ماد و از طرف دیگر معرفی این شخص بصورت یک آدم خارق العاده بوده است. در صورتیکه این موضوع اکنون به اثبات رسیده که هیچیک از این افسانه ها صورت واقعی نداشته و صرفاً زانیده تخیلات واهی است.

بنابه روایت کنزیاس «کوروش پسر چوپانی بود که از شدت احتیاج مجبور گردید راهزنی پیش گیرد. او در ایام جوانی بکارهای پست اشتغال می ورزید و از این جهت مکرر تازیانه خورد. کوروش با «استیاک» آخرین پادشاه ماد هیچگونه قرابتی نداشت و از راه حيله و تزویر به مقام سلطنت رسید...» (از تاریخ ایران باستان تالیف مشیر الدوله پیرنیا) قدر مسلم اینست که کوروش جاه طلب و خونریز از اشتغال پادشاه ماد به جنگ با بابلیها استفاده کرده نخست با یک نامه ساختگی از قول پادشاه ماد تمام پارس را تحت سلطه خود در آورد. آنگاه به تحریک قوم پارس بر علیه دولت ماد پرداخت. پارسها قومی عقب افتاده بودند و در مراحل اولیه فرهنگ و تمدن بسر می بردند به این جهت کوروش توانست بزودی آنها را بر علیه دولت ماد بر انگیزد و نقشه خود را عملی سازد.

### فداکاری ملت ماد

بعد از آنکه کوروش قوم خود را بر علیه دولت ماد بر انگیزد، استیاک «هارپاک» نام یکی از سرداران و منتقدین ماد را به فرماندهی نیروهای مامور جنگ با یاغیان منصوب نمود.

«هارپاک» در ظاهر یکی از فدائیان شاه بود ولی در یاطن ضدیت و خصومت شخصی با «استیاک» داشت و به این جهت پس از مواجهه با نیروهای شورشی به پادشاه و میهن خود خیانت نموده و با کوروش بر علیه پادشاه ماد همدمت میگردد. بطوریکه در فوق ذکر شد جنگ بین پارسها و مادها سه سال بطول انجامید.

ملت ماد برای دفاع از میهن خود منتهی درجه فداکاری و مجاهدت را نشان میدهد. ولی خیانت هارپاک بالاخره کار خود را می کند و نیروهای ماد مغلوب و پادشاه به اسارت پارسها در میاید و نیروهایی که تا آخرین لحظه نسبت پادشاه و مانده بودند تا آخرین نفر کشته میشوند.

بعد از این واقعه «استیاک» به خیانت «هارپاک» پی برده و خطاب به سردار خائن خود اظهار میدارد: «هارپاک! تو آدمی بسیار احمق و بی وجدان هستی احمقی زیرا با وجود اینکه می توانستی سلطنت را اسیر و برده پارسها ساختی. اگر لازم بود کسی دیگر بجای من باشد میخواستی لااقل این کار را برای یک نفر ماد انجام دهی تا پارسهائی که برده مادها بودند از این پس سرور و آقای آنها نمی شدند...» (کتاب تاریخ هرودوت)

این سخنان تاریخی نشانه بارزی از میهن پرستی و ملت دوستی «استیاک» آخرین پادشاه ماد است و او را مانند یک آذربایجانی حقیقی در نظر ما مجسم میدارد. زیرا این سخنان تلخ حاکی از آنست که «استیاک» بسر نوشت ناگوار کشور و ملت خود می گردید. در واقع پیش بینی استیاک بزودی جامه عمل بخود پوشید زیرا پارسها به محض بدست آوردن حاکمیت در صدد بر آمدند مادها را اسیر و برده خود نمایند. فرهنگ و مدنیت آنها را از بین ببرند و به شخصیت ملی آنها اهانت روا دارند و زبان خود را از همان زمان به ملت ماد تحمیل نمایند و ماد یعنی آذربایجان کنونی را مستملکه خود سازند...

چیزیکه «آستیاک» را متأثر ساحت از بین رفتن شخص خودش و یا از دست دادن تاج و تخت نبود. او حاضر بود که این تاج و تخت را به خود «هارپاک» یا یک مادی دیگر و اگذار نماید. ولی تنها عاملی که این حکمران عاقل و بزرگ را متأثر می ساخت افتادن کشور بدست دشمن بود و به این جهت حق داشت که هارپاک را «احمق» و «بی وجدان» خطاب نماید. زیرا هارپاک برای خاطر غرض شخصی میهن و ملت خود را به دشمنان ملت خود و به نیروهای غاصب و بیدادگر پارس و اگذار نمود.

### سرانجام کوروش

با وجود اینکه ملت ماد از لحاظ نظامی شکست خورده بود روحیه خود را نباخته و در همه جا بخصوص در مراکز حساس آذربایجان از خود مقاومت و رشادت زیادی در برابر قوای بیگانه نشان میداد به این جهت کوروش پس از استقرار بر اریکه فرمانروایی با نهایت بی رحمی شروع به از بین بردن مقاومت مادها و تحت اطاعت در آوردن آنها نموده و می کوشید که مادها را خراجگذار و مطیع خود کند. کوروش سراسر دوره حکمرانی خود را صرف از بین بردن استقلال و آزادی ملت‌های همسایه و قتل نفوس و غارت کشورهای همجوار و تحمیل زبان و آداب و رسوم قوم پارس به ملت‌های مغلوب نموده، پس از شکست دولت ماد «کرزوس» پادشاه لیدییه را نیز مغلوب و شهر زیبای «سارد» پایتخت آن دولت را غارت کرد و حدود تصرفات کوروش بنابه نوشته های «پیرنیا» به مستعمرات یونانی در آسیای صغیر رسید. سپس کوروش به بابل حمله ور شد و آن شهر را نیز به تصرف در آورد. کوروش پادشاهی بسیار خونخوار بود و بطوریکه هرودوت می نویسد:

«کوروش آسیا را خالی از سکنه کرد» و این موضوع نشان از طرز رفتار کوروش نسبت به مادها و سایر ملل مغلوب آنروز میباشد. بعدها کوروش به جهانگیری خود ادامه داده با «سکاها» و «ماساژتها» به جنگ پرداخت و سر خود را نیز در راه جاه طلبی و بلند پروازیهای خویش و نابود ساختن ملت‌ها فدا کرد. در خصوص کشته شدن کوروش هرودوت می نویسد: تومیریس ملکه سکاها به انتقام خون فرزند خود که از راه مکر و فریب بدست کوروش به قتل رسیده بود. فرمان داد سر کوروش را بریده و در نشتی پر از خون اندازند و از روی استهزاء خطاب به سر کوروش چنین گفت: «هر چند من تو را در جنگ شکست دادم ولی تو از راه تزویر پسر من را بدام انداخته و قلبم را داغدار کردی. تو که هرگز از خونخواری سیر نمی شدی اکنون آنقدر از این خون بیاشام تا سیر شوی!...»

### قیام مادها

کوروش در دوره زمامداری خود سعی بسیار کرد که رویه سلاطین ماد را پیروی نماید. ولی چون از مادها هراس داشت میکوشید که آنها را پیوسته زیر فشار نگاه دارد. زمامداری کوروش در سال 529 قبل از میلادی به پایان رسید و «کامبیز» پسرش بر تحت سلطنت قرار گرفته و عملیات استیلا جویانه پدر خود را دنبال کرد. مقارن این اوضاع نیاکان ما که در تحت اشغال و بیدادگری پارسها بسر میبردند در سال 524 قبل از میلاد بر علیه تسلط پارسها علم عصیان بر افراشتند. در این موقع «کامبیز» (کامبوزیا) راه مصر را در پیش گرفته و برای تصرف آن کشور نیروی بزرگی را حرکت داده بود. در بدو ورود به مصر خبر عصیان مادها بر علیه تسلط پارسها به کامبیز رسید و او نقشه خود را نا تمام گذاشته بدون درنگ در صدد مراجعت بر آمد. کامبیز بخوبی می دانست که معنای عصیان مادها چیست و متوجه شده بود که این عصیان قدرت آنرا خواهد داشت که بدوره حاکمیت وی و تسلط پارسها خاتمه دهد و آزادی و استقلال مادها را تامین نماید.

### هومات قهرمان تاریخی

سرکردگی مادهایی که بر علیه حکومت غاصبانه پارسها عصیان کرده بود، قهرمانی بود بنام «هومات» (گنوماته). ملت ماد تحت رهبری این شخص در صدد بود پایه حاکمیت خود را از نو بنا نهد و به تحصیل استقلال و آزادی نائل آید. عصیان مادها به اندازه ای قوت و توسعه پیدا کرده بود که کلیه فتوحات کوروش و کامبیز را بلا نتیجه و حثی می ساخت. «کامبیز» در مراجعت تعجیلی از مصر به قتل میرسد. در این موقع پارسها دست و پای خود را گم کرده نمیدانستند چکار کنند، بالاخره بدور یکی از خویشاوندان هخامنش بنام داریوش گرد آمده و او را به پادشاهی انتخاب مینمایند. مبارزه مادها و پارسها مدت مدیدی بطول می انجامد و در این جنگها بطوریکه مورخین اظهار میدارند، مادها بموفقیت‌های درخشانی

نائیل آمدند. ولی پارسها کلیه مللی را که آزادی از سر گرفته بودند دوباره با کشتار و روز تحت اطاعت در آورده و با آنها بشدیدترین وضعی رفتار می نمودند.

در یکی از نبردهای شدید و خونین بین پارسها و مادها « هومات» کشته میشود و « گیشاتریات» به جای او رهبری ملت ماد را در مبارزه آزادی طلبانه و مقدس بعهده میگیرد. مادها چندین سال بمبارزه درخشان و موفقیت آمیز خود ادامه میدهند. داریوش سپاه عظیمی بسرداری « ویدارین» نام برای شکست مادها اعزام میدارد. لیکن این سپاه هم قادر به دفع مقاومت مادها نمی گردد. داریوش که اوضاع را بدین نحو می بیند و متوجه عواقب بسیار و خیم شکست و عدم موفقیت نیروهای خود میشود و قشون نیرومندتری را برای نبرد با مادها می فرستد. در طی جنگ «گیشاتریات» رهبر مادها به اسارت در آمده و به فجیعترین وضعی بهلاکت میرسد و کلیه انقلابیون ماد نیز به بی رحمانه ترین طرزى نابود میگرددند. نیاکان بزرگ و قهرمان ما که در راه آزادی و استقلال خود جنگیدند، تحت بیدادگری و شقاوت پارسهای اشغالگر منتهی درجه فشار و شکنجه میدیدند.

### کتیبه داریوش در بیستون

در موقعی که حکومت جابرانه پارسها ملت ماد و سایر ملت‌های اسیر را وادار بعضیان نموده بود. داریوش بر اریکه فرمانروائی جایگزین می گردد و در نهایت بیرحمی و شدت به اعدام و مجازات آزادیخواهان می پردازد. داریوش کلیه این بیدادگریها سفاکیها و حرکت وحشیانه ایرا که در قبال ملت‌هایی که در راه آزادی و استقلال خود جنگیدند، مرتکب شده در کتیبه بیستون نوشته است. این سند نشانی از طرز رفتار پارسها با ملت‌های مغلوب و کسانی است که برای خاطر آزادی ملت خود مبارزه میکردند. از جمله ملت‌هایی که اسیر پنجه ظالمانه پارسها بودند ملت ماد بود. داریوش درباره طرز رفتار خود با ملت ماد و رهبران آن چنین مینویسد:

بند پنجم - «... فرورتیش نام مادی یاغی شد و به مردم گفت من خشتربت (گیشاتریات) هستم از دودمان هودخستر (سیاکسار). تمام مادیها از من بر گشته بطرف فرورتیش رفتند او شاه ماد شد...»

بند ششم - «... لشکری که با من بود، کم عده بود. بدین سبب از اینجا قشونی فرستادم « ویدرنه» ( ویدارین) نامی هست پارسی که تابع من است. او را فرمانده آنها کرده گفتم بروید و در هم شکنید آن قشون مادی را. وقتی که به ماد رسید در محلی موسوم به « مروش» با مادیها جنگید... پس از آن سپاهیان من در « کمید» که ناحیه ایست از ماد ماندند تا من وارد شوم...»

نبردهائی که داریوش در این کنیبه یاد می کند همان نبردهائی است که ملت ماد تحت رهبری « گیشاتریات» بر علیه تسلط پارسها نمود. بطوریکه در فوق ذکر شد فرماندهی قوای پارس با سرداری بنام « ویدارین» بود. مشیر الدوله پیرنیا از مفاد بند ششم کتیبه داریوش به این نتیجه رسیده که پارسها موفق نشده بودند مادها را شکست بدهند.

بند دوازدهم - «... از بابل بطرف ماد رفتم. در محلی از ماد موسوم به کوندورش، فرورتیش که خود را پادشاه ماد می خواند با قشونی به جنگ من آمد و جدالی کردیم. به اراده آهورمزد قشون فرورتیش را شکست دادم.»

بند سیزدهم - «... پس از آن فرورتیش با سواران بطرف ری که در ماد است رفت. من سپاهی به قصد او فرستادم. فرورتیش دستگیر شد و او را نزد من آوردند. گوشها، بینی و زبان او را بریدم. چشمهای او را در آوردم. بعد او را به همدان برده مصلوب کردم و سران همدستهای او را در همدان در قلعه به دار کشیدم.»

اینست شمه ای از طرز رفتار داریوش و پارسها با ملت‌های تحت اشغال و اسیر. نظایر این فجایع کم نیست و در همان کتیبه مکررا از این کشتارهای بی رحمانه دیده میشود. از جمله داریوش در بند چهاردهم افتخار می کند به اینکه پس از اسیر شدن « چیتز تخمه» نام « من گوشها و بینی او را بریدم و چشمان او را در آوردم. او را بدرج خانه من در غل و زنجیر داشتند و تمام مردم را دیدند. بعد بامر من او را در «آربل» مصلوب کردند.» از قرار معلوم این شخص نیز به داریوش یاغی شده و در صدد آزادی ملت ماد بوده است.

بند پانزدهم - «... اینست آنچه من در ماد کردم.»

داریوش بعد از فرو نشاندن کلیه این عصیانها دین رسمی و آداب و رسوم مادها را نیز می پذیرد. زیرا بطوریکه عموم مورخین معتقدند « مادها از لحاظ تمدن و فرهنگ نسبت به پارسها خیلی جلوتر بودند»

### نتیجه مقاومت مادها

ملت ماد در دوره سلطنت داریوش اول و چه در دوره بعد از وی با وجود اینکه تحت تسلط و اشغال فارسها قرار داشت، مبارزه خود را پیوسته بر علیه اشغالگران پارسی ادامه و از مقاومت در برابر فشار آنان خودداری و فروگذار نمیکرد. به این جهت سلاطین پارس از عصیان و شورش دائمی مادها هراسان گردیده مجبور شدند به این وضع تن در دهند که در ماد اصلی یعنی آذربایجان کنونی یک ساتراپ نشین مخصوص تاسیس گردد. مادها یکنفر را بنام «آتروپات» از میان خود به مقام ساتراپی برگزیدند.

### پرستشگاه نیاکان ما

مرکز این ساتراپی شهری بود در حوالی دریاچه ارومیه بنام «گنزت» نام این شهر در نوشته های عربی «جنزت» و در نوشته های ارمنی «غزاق» ضبط گردیده است.

شهر «گنزت» در عین اینکه مرکز و مقر ساتراپ بود، پرستشگاه مرکزی مادهای آتش پرست نیز شمرده میشد. در این شهر با عظمت دنیای قدیم نیاکان آتش پرست ما معابد متعدد باشکوهی ایجاد کرده بودند و می توان گفت که شهر «گنزت» در دنیای آنروز موقعیتی را که در حال حاضر شهر مکه برای عالم اسلام حائز است، احراز نموده بود. در سرتاسر سرزمین ماد از اکباتان گرفته تا رشته کوههای قفقاز نیاکان بزرگ ما شهر «گنزت» را یک مرکز مقدس شمرده و آتشکده های این شهر را پرستش می نمودند.

و این وضع تا تاسیس حکومت اشکانیان ادامه پیدا می کند.

«آتروپات» فرمانروای ماد در اراضی تحت اداره خود با کمال مهارت موفق به تحصیل استقلال و تشکیل یک حکومت ملی میگردد.

حکومتی که آتروپات بوجود میآورد و بعدها فرزندان او آنرا توسعه و تقویت مینمایند، وارث حقیقی دولت ماد میباشد. قسمتی از سرزمینی که تحت اداره آتروپات بوده به «ماد آتروپات» یا بطور ساده «آروپات» معروف میگردد. از آن پس نویسندگان یونانی قسمتی از سرزمین ماد را که تحت اداره فرزندان آتروپات بوده «آتروپات» می نامیدند. این نام نوشته های ارمنی «آتریپاتگان» و در نوشته های فارسی «آذربایجان» و در نوشته های عربی طبق لهجه محلی بشکل «آذربجان» ضبط گردیده است.

بدین ترتیب آکادمیک «بارتولد» خاورشناس نامی بر این عقیده است که کلمه «آذربایجان» بیش از دو هزار سال تاریخ دارد.

زبان شناس معروف آکادمیک «مار» معتقد است که کلمه «آتریپات» خیلی پیش از پادشاهی «آتریپات» وجود داشته و «آتریپات» یا «آتروپات» نام یکی از طوایف بزرگ نیاکان ملت آذربایجان بوده است. این کلمه از دو قسمت ترکیب یافته: «آتر» بمعنی آتش (آذر) و «پات» یعنی نگاهبان، بدین ترتیب «آتریپات» «نگاهبان آتش» معنی میدهد.

این نظر کاملا درست و منطقی است زیرا نیاکان قدیم ما آتش پرست بوده اند و آتش را در مرکز مخصوص محافظت و نگاهداری کرده آنرا ستایش می نمودند و این طایفه که محافظ آتش بوده اند بعدها به «آتریپات» معروف گشته اند. ساتراپی که موفق به تشکیل دولت مستقلی در اراضی ماد گردید از خانواده «آتریپات» و صاحب این لقب مقدس بوده است. بنابه مراتب مذکور در فوق نام میهن عزیز ما «یعنی سرزمین آتوها و نام ملت پر افتخار ما آذربایجان (آذری) میباشد.

### تمدن و فرهنگ مادها

درباره تمدن و فرهنگ مادها مورخین بررسیهای عمیقی نموده با وجود قلت و غیرکافی بودن اسناد و مدارک مربوطه به نتایج درخشانی رسیده اند.

هرودوت مورخ معروف یونانی شرح مفصلی درباره مدنیت ملت ماد داده و این ملت را از لحاظ تمدن و فرهنگ همپایه و در ردیف ملت بابل قرار داده و تمدن ملت ماد را بالاتر و عالیتز از تمدن قوم پارس یادداشت کرده است.

آقای مشیر الدوله پیرنیا معقد است که تمدن و فرهنگ ملت ماد در دنیای آنروز منازعی نداشته و پارسها نیز بهمین جهت پس از استیلای بر مادها لباس و تزئینات و تجملات مادی را اقتباس نمودند.

همدان - از تحقیقاتی که مورخین در نقاط مختلف آذربایجان کنونی بعمل آورده اند چنین بر میآید که در قرن ششم و هفتم قبل از میلاد مرکز دولت ماد شهر اکباتان (درحوالی همدان کنونی) بوده است.

اول دفعه ای که اسم این شهر برده شده در کتیبه «تیکلات پارلاسا» پادشاه آسوری (در حدود 1100 قبل از میلاد) است. این پادشاه اسم آنرا «امدانه» ضبط کرده است. «تاریخ شهر مزبور تا قرن یازدهم قبل از میلاد میرسد و در میان شهرهای قدیم که اکنون هم ایستاده اند نظایر همدان نادر است و تاریخ بنای روم هم چنانکه معلوم است از اوسط قرن هشتم قبل از میلاد بالاتر نمی رود...» (مشیر الدوله پیرنیا)

از تحقیقاتی که «مورگان» خاورشناس معروف فرانسوی بعمل آورده معلوم و محقق میشود که «آکباتان» هرودوت همان محل همدان امروزی است و از بر آمدگیهای زمین و تپه ها و جاهای هفت قلعه قصر سلطنتی محل قطعی پایتخت قدیم و باشکوه دولت ماد معلوم میشود.

دمورگان درباره اکباتان چنین مینویسد: «اکباتان پایتخت دولت ماد مهمترین مرکز علم و مدنیت خاور نزدیک بوده است. این شهر در پای کوه الوند و در ابتدای جلگه پهناور حاصلخیزی واقع شده که بوسیله آبهای کوهستان الوند و رودخانه پر آب اطراف سیراب میگردد. جلگه مزبور بسیار پر جمعیت و آباد است و آثار از ایام قدیم دارد. انسان حس میکند که اینجا موقعی مرکز تمدنی بزرگ بوده و اهمیت امروزی همدان انعکاس ضعیفی از موقعیتی که همدان قدیم داشته...»

بموجب نوشته های آسوری در این زمان در کشور ماد شهرها و مراکزی مانند «تارواکیس» ( تبریز کنونی) و «راهه» (ری) وجود داشته اند. اکباتان آنروز یکی از مراکز اساسی و مهم تجارت جهانی بوده و راههای اصلی بازرگانی از آن شهر می گذشته تا به آنجا منتهی می شده است. راهی که از کوه و معبر معروف «بیستون» گذشته به بابل منتهی میشد (راه غربی) و راهی که از معبر دربند در شمال میگذشت راههای اساسی تجارت آن دوره بوده و بدین ترتیب اکباتان از مهمترین مرکز تجارت مشرق و غرب شمرده میشد.

### فنون نظامی

سلاح جنگی و شیوه مردانه مادها در ازمنه قدیم بسیار معروف بوده و این خود نشانه بارزی از پیشرفت مدنی ملت ماد بوده است. سلاح اصلی مادها شمشیر بوده و در عین حال سربازان مادی از تیرهایی که از نی درست میکردند استفاده می نمودند. جنگاوران دلیر ماد زرهی مانند پوست ماهی که از قطعات ریز فلز درست میشد بر تن میکردند.

هرودوت لباس و سلاح جنگی سربازان مادی را چنین تعریف میکند:

«سربازان مادی کلاهی نمدین که خوب مالیده بودند بر سر، قبائی آستین دار رنگارنگ در بر، زرهی که خلقه های آهنین آن به فلسهای ماهی شباهت داشت بر تن، شلواری که ساقها را می پوشید در پا، سپیری از ترکه بید بافته و در زیر آن ترکشی آویخته، زوبینهائی کوتاه و کمانی بلند و تیرهایی از نی داشته و قمه های کوتاه از طرف راست بکمر بند می بستند...» شرحی که هرودوت درباره لباس و آرایش جنگی و سلاح مادها میدهد کاملترین شرحی است که در این خصوص از طرف مورخین داده شده است.

پارسها بعد از استیلای بر مادها عین لباس و سلاح جنگی مادها را اقتباس کردند و بطوریکه هرودوت مینویسد در لشکر کشی «خشایارشا» به «آتن» سلاح و لباس سربازان پارسی عین لباس و سلاح جنگی مادها بوده است. این قسمت مورد تصدیق مشیرالدوله پیرنیا نیز میباشد. مادها در سورای تیراندازی شهرت زیاد داشتند و همواره موجب هراس و رعب دشمنان خود بودند.

مورخین بر این عقیده اند که سربازان ماد در نهایت دلاوری و قهرمانی نبرد میکردند. در پرتو چنین فداکاری و رشادت بود که نخست آزادی و استقلال خود را تامین نمودند و تجاوزات دشمنان خارجی را در هم شکستند، به دوره استیلای آسوریها خاتمه دادند و بعدها هم برای تحصیل آزادی مکررا مردانه قیام نمودند و دوباره آزادی و استقلال از دست رفته خود را بدست آوردند.

### ادبیات - خط و زبان

بنابر نوشته های مورخین یونانی مادها دارای زبان و الفباء و خط مخصوص بوده اند. لیکن این الفباء بدوره ما نرسیده ولی آثار و اصطلاحات آن در زبان کنونی ما دیده میشود.

این امر یعنی تغییر زبانهای اولیه در دوره های بعدی اختصاص به زبان ملت ما ندارد. این موضوع تابع یک اصل مسلم و قانون قطعی است و در دنیای کنونی هیچ ملتی وجود ندارد که توانسته باشد زبان قدیم ملت خود را حفظ نماید و یا در حال حاضر قادر به فهم آن باشد. ادبیات دوره ماد بزبان قدیم آذربایجان بوده و این زبان در میان کشورهای شرق اهمیت زیادی داشته حتی بعد از تاسیس دولت هخامنشی پارس این زبان نقش مهمی را بازی کرده و نفوذ خود را حفظ نموده بود.

برای اثبات این نقطه کافی است یاد آوری شود که زبان ماد در کتیبه داریوش اول که به سه زبان نوشته شده جای مهمی را اشغال می نماید. زیرا بموجب تحقیقاتی که بعمل آمده قسمت فوقانی این کتیبه به خط قدیم ایران، قسمت تحتانی به زبان و خط بابلی نوشته شده و بر حسب تحقیقات پرفسور « ماررین » قسمت وسطای این کتیبه که به خط میخی است به زبان مادها ( زبان آذربایجان قدیم ) نوشته شده است و این قسمت از طرف مورخ معروف فرانسوی « اوپر » نیز تایید میشود.

### تشکیلات سیاسی

پیش از تشکیل دولت مستقل و نیرومند ماد هر یک از طوائف ماد دارای زندگانی سیاسی و معیشتی مستقلی بوده اند. ولی بتدریج ملت ماد صورت یک ملت متکی به طبقات مختلف را بخود گرفته و بالاخره به ایجاد یک حکومت مستقل ملی نائل آمد و کلیه قوا در دست حکومت مرکزی متمرکز گشت. بطوریکه از تحقیقات پیرنیا بر میآید در آن موقع ملت ماد از چهار طبقه اصلی تشکیل می یافته: طبقه جنگجویان، طبقه کشاورزان، طبقه کسبه و اصناف، طبقه روحانیون.

این وضع نشانه بارزی از پیشرفت مدنی مادها و یکی از جهات متعددی است که برتری تشکیلات سیاسی و مدنی ملت ما را در دنیای آنروز نسبت به پارسها و بسیاری از اقوام دیگر ثابت می نماید. زیرا در آن موقع هنوز در سرزمین پارس حکومتهای قبیله ای و عشیره ای وجود داشت و در مدنیت آن قوم پیشرفت زیادی دیده نمی شود.

سلاطین ماد به اصلاح امور داخلی کشور، وضع قوانین و اجرای مجازات، رفع احتیاجات ملت، بالا بردن سطح افکار عمومی و تنظیم یک ارتش نیرومند ملی متناسب با شخصیت ملت بزرگ ماد توجه زیادی نموده و در این راه به موفقیتهای اساسی نائل شده بودند.

این قسمت مورد تصدیق عموم مورخینی است که در راه تحقیق درباره مدنیت ملت های قدیمی شرق زحمات زیادی متحمل شده اند، از جمله آنها « پراشک »، « اوپر » و « وین کلر » را باید نام برد.

## احمد شیبانی

آذربایجان روزنامه سی

۴ اسفند ۱۳۴۴

### اردبیل ولایتی حقیقده قیسا معلومات

آذربایجانین آدلی - ساتلی منطقه لریندن بیرری اولان اردبیل ولایتی چوخ قدیم تاریخه مالکدیر. بورادا اولان عظمتلی سبلان داغی نین قله سینده بهمن دزوبا روئین دز آدلانان قله نین خرابه لری و بو قله نین نزدینده یرلشن آتشدکه نین علامتلی گوستریر که، بو یرلر آذربایجاندا آتس پرستلیک دینی نین ایلک مرکز لریندن بیرری اولموشدور.

معلوم اولدوغو کیمی وقتیه اردبیل شهری آذربایجانین مرکزی اولموش و صفویلر دورونون آخیرلاریندان باشلایراق ولایت مرکزینه چوریلیمیشدیر.

سون ایلره قدر خالخال مشگین، سراب، اوجارود، نیر، ویلکیج و آستارا بخشلی اردبیل ولایتی نین ترکیبینه ایدی. لاکن ایران دولتی نین آخیرینجی انضباطی بولگوسونه اساسا حال حاضرده ویلکیج و نیر بخشلی اردبیل ولایتی نین ترکیبینه قالمیشدیر. قالان بخشلی شرقی آذربایجان ایالتی نین ترکیبینه داخل ایدیه رک مستقیما تبریزه باخیر و قاجار شاهلارینین ایلک دورلریندن آذربایجانین تابع لیگینده اولان آستارا بخشینی ۱۳۲۵ - نجی ایله آذربایجانان آیریپ گیلان ایالتی نین ترکیبینه کچیرمیشلر. حاضرده آستارا گیلان ایالتی نین ولایتلریندن بیرری اولراق فرماندارلیق اصولوندا اداره اولونور.

### جغرافی موقع و اقلیم

اردبیل شهری و اونون اطرافیندا اولان کندلر دورهادور داغلارلا احاطه اولونموش، گنیش بیر دوزه نلیکده یراشیر. بو دوزنلیک شرقدن طالش داغلارینین باقرو داغی حصه سیله، غربدن سبلان داعی و مشگین ولایتینه، شمالدان طالش داغلارینین اتگینده واقع اولان ویلکیج محالیله و جنوبدان یورتچو محالی (نیربخشی) و خالخال ولایتینه همسرحددیر.

داخلی وزیرلیگین ۱۳۳۵ - نجی ایله نشر ایتدیگی آمارینا اساسا اردبیل دوزنلیگینین ساحه سی ۴۸۶۰ کیلومتر مربع و اهالیسی ایسه اطراف کندلر ایله بیرلیکده ۱۸۷۴۶۰ نفردیر. همین اهالینین ۶۵۷۴۲ نفری اردبیل شهرینده یاشاییر و مختلف پئشه لره مالکدیرلر.

منبعینی اطراف داغلاردان گوتوروب اردبیل دوزنلیگیندن آخان چایلارین ایچری سینده ان مشهوری بالیقلی چایدیر. بو چای ئوز منبعینی سبلان داغیندان گوتوره رک شهرین ایچیسیندن آخیر، نووه دی کندینده قره سو ایله بیرلشیر و آخرده غربی مشگینده دره رود چایینا توکولور. بالیقلی چایین بول سویوندان ایلین بوتون فصل لرینده هر طرفلی استفاده ایتمک ممکندور، بوندان علاوه اطراف داغلاردان قایناییب اوزه چخان بولاقلارین سولاری ایله تشکیل تاپان کیچیک چایلارین سایه چوخ اولسادا اونلارین اوزرینده بند و سو انبارلاری تیکلمه دیگیندن یاز و یای فصل لرینده کندیلرین سویا اولان احتیاجینی دفع ایتمک چتین لشیر. چای و چشمه لرین اولمادیگی کند یرلرینده اهالی کهریز قویولارینین سویوندان استفاده ایدیرلر.

اردبیل اقلیمی قورو، سرت و کولکلی دیر. ساختا پائیز و قیش فصللرینده داها چوخ ئوزونو گوستریر. بورادا مئشه نین اولماماسینا گوره اردبیل محالی نین یاناجاق و مئشه معمولاتینا اولان احتیاجلاری طالش مئشه لریندن وارد ایدیلن اودون، کومور و سایره ایله تامین اولونور. اردبیلین هواسی سویوق اولدوغو ایچون بورادا تنباکو، پامبیق، چای و سایره بو کیمی سوپتروپیک بیتکیلرده عمله گلیمیر.

اردبیل محالی، خصوصیه سبلان داغی زنگین یرآلتی ثروتلره مالکدیر. لاکن گوز قاباغیندا اولان بو ثروتلرین اوزه چخاریلماسی ایچون ایندییه قدر اهالینین طلبلرینه دولت طرفیندن اهمیت و پریلمه میس و هنج بیر اقدام دا اولونمامیشدیر. سبلان داغی نین اتگیندن قایناییب اوزه چخان ایستی معدن سولاری، او جمله دن سره بین، سرداوا سولارینین ترکیبینه اولان بیر چوخ ماده لر بیر سیرا خسته لیکلرین معالجه سی ایچون ان آسان و الویریشلی واسطه دیر. لاکن اهالی بو ساغلاملیق اوجاقلاریندان معاصر مدنی قایدالاردا یوخ، کهنه قایدالارلا و چوخ آز استفاده ایدیر.

معهده باغیرساق خسته لیکلرینین معالجه سی ایچون ان یاخشی درمان واسطه سی اولان بئله دره سویو ایندییه باشقا پرلره گوندریلیر. «تهران اکونومیست» مجله سینده قید اولونور که، آخر وقتلرده حکیم لرین تشخیصینه گوره اردبیل یاخینلیغیندا اولان شور گولون پالچیغی بدن آغریلارینین ان تاثیرلی درماندیر. بئله لیکله وطنیمیزین زنگین ثروتلره مالک اولان بو منطقه سینده ده خلقیمیزه مخصوص اولان بویوک طبیعی خزینه لردن دولت قایغی سیزلیغی نتیجه سینده استفاده ایتمگه امکان یار ایدیمیر.

اردبیل شهری بیر نچه محله لره بولونور. ابراهیم آباد، چشمه باشی، اوچ دکان، پیر عبدالملک، آقانی خرمی، آلا قاپی، قره دگه نک، تاوار قاپیسی و سایر ده دن عبارتدیر. اردبیل اطرافیندا مین نفر دن یوخاری نفوزا مالک اولان چوخلو کند واردیر. اولاردان آب بگلو، مرنلی، نیار، سومه رین، آقباقر، شیخ کهره لان و سایر ده نی گوسترمک اولار.

### صنعتکارلیق و اهالی نین پئشه سی حقیقده

اردبیل زحمتکشلرینین مشغول اولدوقلاری اساسی ساحه اکین چیلیک و حیواندارلیقدیر. آنجاق تجارت، صنعت کارلیق و سایر پئشه لر ایله مشغول اولانلارین دا سایه آز دگیل، نسبتا انکشاف ایتمیش و بیر نچه کارخانادا مرکزلمیش اولان خالچاچیلیقدان باشقا صنایع ساحه لری اکثر اعمالاتخانا فورموندا تشکیل ایدلمیش خیردا تصرفاتلاردان عبارتدیر. اردبیلده استحصال ایدیلن قالی سندلر آذربایجان فرشی صادر ایتیندا خصوصی یره مالکدیر.

باشقا ال صنایعی ساحه لری ایچریسینده آیق قابی استحصالی دا دقته لایقدیر. بورادا حاضرلانیب استفاده یه ویریلن آیققابیلارین چوخ حصه سی، یرلی دباغلارین حاضرلادیغی گون و دریدن تیکیلیر. اردبیلده استحصال اولونان آیققابیلار کیفیت جهندن چوخ محکم و دواملی اولدوغو ایچون کندلیلر طرفیندن هوسله آلتینیر. بوندان علاوه دمیرچیلیک، میسگرلیک، زرگرلیک، خراطلیق، خیاطلیق و آیری صنایع اعمالاتخانالاری خیردا تصرفات فورموندا بیر اوستانین و یا بیر صاحبکارین باشچیلیغی ایله فعالیت گوستریرلر. لاکن اردبیل شهرینده، عمومیتله ولایتده بویوک صنایع موسسه لری اولمادیغیندان ایش سیزلیک یاییلمیش و ایندی ده بو ولایتدن تهرانا و باشقا شهرلره کوچنلرین سایه آرتماقدادیر. اردبیلده بنالیق و معمارلیق صنعتی چوخ قدیم زمانلاردان انکشاف یولونا قدم قویموشدور. بورادا شیخ صفی الدین سرابیندا دایره وی طاقلارین قورولوشونو، نفیس چینی قابلا و کتاب رفلرینین فورمونو و یای، قیش اوتاقلارینین گوزل تیکیلیشینی نظردن کچیردیکده اورتا عصرلرده اردبیل بنا و معمارلارینین صنعتکارلیغینا حیران قالمایا بیل میرسن. خصوصیه همین سرابین داخیلینده

اولان مسجدهده شیخ صفی الدینین مقبره سی اوستونده قویولموش صندوق اردبیل اوستالارینین بویوک مهارتله ایشله ییب حاضرلادیقلاری مثل سیز اینجه صنعت نمونه لریندن بیریدیر. اردبیل داشکسن قصبه سینده تاسیس ایدلمیش ساخسی قابلا اعمالات خاناسیندا استحصال ایدیلن معمولاتی (نهره، سو و یاغ بارداقلاری، سوسنه گی، کوپ، اوشاقلار ایچون حاضرلانیلمیش اویونجاقلار و سایر ده) خلخال، مشکین، آستارا، نمین، گیلان و سایر پرلرده کیفیتلی ساخسی قابلا معمولاتی کیمی ساتیلیر. عمومیتله اردبیل صنعتکارلاری هنج بیر صنعت مکتبی گورمه دن تجربه نتیجه سینده همین پئشه لره بیه لنمیشلر.

### کند تصرفاتی

اردبیل کندلیلرینین اساسی پئشه سی اکین چیلیک، حیواندارلیق و قویونچولوقدان عبارتدیر. بورادا اکین چیلیک ساحه سینده بیرینجی یری تاخیل اکینی توتور. بوندان باشقا مرجی، نخود، لپه، تره وز، میوه و حیوان یملریندن کوروشنه، یونجا و خاشا بیتکی لری ده اکیلیر.

اردبیل ولایتینین تورپاغی محصولداردیر. لاکن کفایت قدر سو اولمادیغینا گوره اکینلرین اکثریتی دیم تورپاقلاردا اکیلیر. اردبیل کندلرینده اکینچیلیک اساسا نوح ایامیندان قالمیش ابتدائی استحصال آلتلری واسطه سیله آپاریلیر. سون وقتلرده کنده تک - تک تراکتورون گلمه سینه باخمایاراق گنیش کندلی کتله سینین ینی تکنیکدن استفاده ایتمگه امکانی یوخدور.

محالدا هر کندین ئوزونه مخصوص قویون سورولری و ناخیرلاری واردیر که، بونلاردا هر کندین ئوز چمنلرینده یمله نیر.

اردبیل کندلرینده توخوجولوق صنعتی قدیم زمانلاردا معمول اولموشدور. بورادا ایو تصرفاتی شکلینده قادینلارین ال ایله خالچا، کلیم، الوان پالاس لار، رنگلی جوراب لار، مفرشی و سایرہ شئیلر توخونور. ۱۳۴۱ - نجی ایللرده کچیریلیمیش یاریمچیق اصلاحات قانونونا مشمول اولمایان و ینه ده ملکه دارلارین الینده قالان کندلرین سایى از دگیلدیر.

ملکه دارین آغیر ویرگیلرینه، دولت مامورلارینین ئوز باشینالیغینا قارشی دفعه لرله اعتراض ایدن اردبیل کندلیلری ایندی ده مالکله و ژاندارملارا قارشی مبارزه لرینی دوام ایتدیریرلر. سومه رینا ملکه دار انواریلره قارشی، نیارلیلرین امیر تومانا قارشی و بارلیلارین ئوز ملکه دارلاری خانبابا خان قارشی کتله وی چیخیشلاری بونون بیر نمونه سیدیر.

### مدنی معارف

معلوم اولدوغو کیمی حاکمه هیعتی نین، خصوصیه رضا خانین حکمرانلیغی دوروندن باشلانان ضد ملی سیاست آذربایجاندا مدنی معارف تدبیرلرینین گنیش صورتده حیاتا کچریلمه سینه مانع چیلیک تورتمیشدیر. تکجه بونو دیمک کفایتدیر که، بوتون رضا شاه دورونده اردبیل کیمی بیر شهرده یالینز بیر ابتدائی، سونرا ایسه ناتمام اورتا مکتب آچیلیمشدیر. یالینز آذربایجان ملی حکومتی تشکیل تاپاندان سونرا اردبیلین بیر نچه محله لرینده تام اورتا مدرسه لر تشکیل ایدیلدی. قید ایتمک لازمدیر که، آذربایجانین باشقا یرلرینده اولدوغو کیمی اردبیلده ده مدنی معارف ساحه سینین جوشغون انکشافی یالینز ملی حکومت دورونده اولموشدور. ملی حکومتین حیاتا کچیردیگی و یا نظرده توتدوغو تدبیرلر ساحه سینده اردبیلین مدنی معارف سیماسی تامایله دگیشه بیلردی.

کاشی و یونماداشدان تیکلیمیش شیخ صفی الدینین سرایی اردبیلده تاریخی بینالاردان بیریدیر. بورادا شیخ صفی الدینین زمانیندان قالان گوزل و قیمتلی چینی قابلار، قیزیل، گوموش و سایر متال ساپلارینین ایپک قاریشیغی ایله توخونموش نفیس اونیکال قالیلار نادر سملرله بزه نمیش کتابلار و سایرہ نفیس شئیلر ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ نجی ایللرده رضا شاه دلالاری طرفیندن غارت ایدیلیب تهرانا و بعضیلری ایسه خارجه داشینیمشدیر. حاضردا اردبیل شیخینین نفیس شئی لرینین بیر حصه سی تهراندا «ایران باستان» موزه سینده ساخلانیلیر و بو شئیلرین ایچریسینده ان یوکسک قیمتله مالک اولان زر بافت و مسندلر و مصور شاهنامه کتابی انگلیستانین لندن موزه سینده گوندریلمیشدیر.

موسیقی مکتبلرینین اولماسینا باخمایاراق اردبیلده خلق چالقیچیلار دسته لری واردیر. بورادا موسیقی هوسکارلاری آذربایجان و فارس مغاملارینی گوزل افده ایتمگه تجربه نتیجه سینده بیه لنمیشلر. اردبیلده ایشله نن موسیقی آلت لری تار، ساز، کامانچا، قارمون، زورنا، بالابان و قوالدان عبارتدیر. اردبیل چالقیچیلاری خالخال، مشکین، آستارا، گیلان اهالی سینین توپلاریندا اشتراک ایدیرلر.

## اقتصادیات و تجارت

اردبیل ولایتی نین اطرافی بول ارزاق محصولارینا و خام ماللاری استحصالینا مالک اولدوغو ایچون بورادا صادرات واردات اوستون گلیر. مثلا، مشگین ولایتی نین بول اتلیک مال قویونو، دری-باغیرساغی، یونو، میوه و تره وزی، خالخالین یاغ - پنیری، یون، شال، تاخیل و سایره سی، آستارانین دوگوسو، بالیغی، تره وزی و باشقا بخشبرین و ولایت لرین کند تصرفاتی محصوللاری اردبیل بازارلاریندا تاجرلرین لیله باشقا یرلره حمل ایدیلیر. اردبیل و قتیله تجارت ساحه سینده آذربایجانین و ایرانین بیر حصه سینین قاپیسی کیمی ده یوکسک آد قازانمیشدیر. بویوک اوکتوبر سوسیالیست انقلابینا قدر اردبیل تاجرلری روس - ایران تجارتینده فعال اشتراک ایتیشلر. او دورلرده روسیه یه صادر ائدیلن و روسیه دن وارد اولونان تجارت ماللاری آستارا بندایندن خزر دنیزی گمی چیلیک نقلیاتی واسطه سیله حمل نقل اولونورموش، بودا اوزمانلاردا ان الویریشلی نقلیات واسطه سی ایدی. بویوک اوکتوبر سوسیالیست انقلابینین غلبه سیندن سونرا سووه ت - ایران تجارتینده فعال اشتراک ایدن اردبیل تاجرلری، سووه ت اتقاقینا اتلیک مال، لبنیات، یون، دوگو، خشکبار، خام گون، دری و سایره صادر ایدیردیلر. حال حاضردا سووه ت - ایران تجارت و ترانزیت مقاله لرینین باغلانماسی اردبیل اقتصادیاتینین و تجارتینین ده دیرچلمه سینه کومک ایده جکدیر.

اردبیلده کند تصرفاتی محصوللاری و صنایع ماللاری ایچون آیری- آیری بازارلار واردیر. بورادا کند تصرفاتی ماللاری ساتیلان بازارلار میدان آدلارنیر. بونلاردان بیر عده سی تازا میدان، کومورمیدانی، مال میدانی، اونچو میدانی، شیخ قاباغی و سایره دن عبارتدیر. عمومی احتیاجی تامین ایدن صنایع مالارینین بیر حصه سی اردبیل شهرینین داخلینده استحصال ایدیلیر. دیگر قسمتی ایسه خارجدن وارد اولونور. خارجدن وارد اولان ماللار پامبیق، ایپک و یون پارچالار، قند، چای، دخانیات، دمیر، نفت یاناجاغی، لوکسی شئیر، عطریات، داوا درمان و سایره دن عبارتدیر.

\*\*\*\*\*

جغرافیا علملری دوکتورو، پروفیسور،  
نیو یورک علملر آکادمیاسینین عضوی - ب. شکوری

## گوزال طبعیتلی اردبیل و تاریخی مدنیتیمیز

آغساجلی و عظمتلی ساوالانین اتینده یئرلشن آذربایجانین قدیم و گوزل شهری اردبیل بویوک تاریخی و مدنی ارثه مالیکدیر. قید اتمک لازمدیرکی، دوغما دیاریمیز آذربایجان نوز قدیم تاریخی و تاریخی مدنیتیه مالیکدیر.

اونون مین ایلیک مدنیتینین نمونه لرینی بو گون دنیانین بویوک موزیلرینده گورمک اولار. بویوک شاعرار، سوز اوستالاری، معمارلار، ساز و موسیقی اوستالاری، فیلسوف و حکیملر یوردو اولان آذربایجان دنیا مدنیتینه نظامی، خاقانی، فیضولی، معجز و شمس تبریزیلر، عجمی طوسی، قطران، جاوید، شهریار کیمی داهیلر تقدیم ایمیشدیر. آذربایجان، خصوصی ایله تبریز مینیاتور مکتبی، دنیا مدنیتینین فخری حساب ائدیله بیلر. آذربایجانین خالچا اوستالاری اونون شهرتینی آرتیرمیش و بو گون دنیا موزه ای

و ساریلاریندا تبریز خالچالاری تاماشاچیلاری حیران ائدیر. آنلاماق اولمورکی عنعنه میناتورلرله بزمنیش خالچالاری ۸- ۱۰ یاشیندا قیزلار قارانلیق اوتاقلاردا توخوموشلار.

بویوک وطنین بوتون رگیونلاریندا بیز قدیم مدنیتیمیزین نمونه لرینه و یادگارلارینا تصادف ائدیریک. ایستکلی و قوجامان تبریزین ارک قالاسی و گوی مسجدی، سویملی باکینین قیز قالاسی و شیروان شاه لار سارایی، صفالی شکینین خان سارایی، قدیم ماراغانین رصدخانه سی، فسونکار اردبیلین شیخ صفی الدین کمپلکسی، ناخچوان آبیله لری بویوک کنجیشیمیزه و قدیم مئنیتیمیزه ثبوتدور.

بو مقاله ده آذربایجانین قوجامان و قدیم شهرلریندن اولان و ایران تاریخینده شانلی صفحه آچان اردبیل شهری و اونون تاریخی آبیله لری حاقیندا صحبت گنجکدیر. آغیرچکلی، وقارلی و هم ده مقدس سوالان داغینین اتینده ۱۲۶۰م دنیز سویه سیندن حوندورلوکده یرلشن اردبیل شهری تاریخاً بویوک کند تصرفاتی مرکزی اولموشدور. اردبیل صفوی لر دورونده بویوک علم و مدنیت مرکزینه چوریلیمیشدیر. ئوزونون طبیعی و جغرافی موقعیندن آسیلی اولاراق اردبیل داغ اقلیملی (اوزون) قیسا و سرین یای موسومونه مالیکدیر. تمیز هوا و گوز یاشینا بنزر سویو اولان بو شهرین میوه سبزیسی، سود و اتی، بال و قایماغی بوتون ایراندا مشهوردور. سوالان داغینین اتکلرینده شهرتلی معدن سولاری سرعین، سردابا، قوتور سویو، وله دره ایستی و بوزلو سولاری اونون مثلسیز طبیعی زنگینلیگینه دلالت ائدیر. ترکیبینه مندلو جدولینده کی بوتون المنتلر اولان سولار اردبیل ماهالینین زنگین گویو کیمیه وی خصوصیتلره مالیک اولماسینی گوستریر. هله یوز ایلرله مالیجه اوجاغی کیمی استفاده ائدیلن شورابیل گولو و اونون پالچیغی مینرله دری-زهروی، دامار، سینیر سیستمی و باشقا خستلیکلره دچار اولان انسانلارا شفا گتیرمیشدیر. سوالان داغی اتکلریندن غرب، جنوب، شرق استفادینه، اصلینده بوتون استفادینه بئله آنومال سحیه لی گویوکیمیه وی ابیکترلرین اولماسی اونون طبیعتینین نه درجه ده زنگینلیگینی گوستریر.

آذربایجانین بو گوزل دیاری هله علمی جهندن درین تدقیق ائدیلمه میش و اونون چوخ سیرلری اوزه چیخمامیشدیر. اردبیلین بو زنگین طبیعتی هر ایل ۱۰ مینرله توریستین بورایا گلمه سینه سبب اولور. خصوصیه یای آیلاریندا سرین و تمیز هوا آماق ایچون ایرانین استی منطقه لریندن گن توریستلر بو دیارا باسقین ائدیرلر. توریستلری بورایا جلب ائدن تکجه تمیز سو و هوا، دادلی میوه و ارزاق دئیل، هم ده اردبیلین مدنی کنجیشی دیر.

بو شهر ایرانین قدیم شهرلریندن حساب ائدیلیر. او، ئوز سیاسی تاریخینده یوز ایلرله آذربایجانین مرکزی و هم ده معیین دورده ایرانین پایتاختی اولموشدور. قلله سیندن واختی ایله اود پوسکورولن مقدس سوالان اردبیلین ۴۰ کم ده یرلشیر. اونون قلله سی وقارلا اردبیلی ئوز نظارتی آلتیندا ساخالیر. دنیز سویه سیندن ۴۸۷۰ م هوندورلویو اولان سوالان عصرلرله یاد ائلی اشغالچیلاردان اردبیلی قوروموشدور. اردبیل دوزنلیگینده ۸۰ مین هکتار اکینه یارارلی توریاق وارکی، لئونون اکثر حصه سی کند تصرفاتیندا استفاده اولونور. بورا حاضردا ایرانین کارتوف بیتکیسی اکیلن ان بویوک منطقه سی حساب ائدیلیر. بو منطقه ده قارا سو و بالیقلی چایلارین اولماسی سواریلان اکینچیلیگین انکشافینا الوریشلی شرایط یارادیر. بو چایلار سوالان و تالیش داغلاریندان عدالانیرلار. اردبیل اهالیسی هله قدیم دورلردن بری سوالانی مقدس و برکتلی داغ آلاندریرلار و بو رگیوندا بوللوغو سوالان برکتی ایله ایضاح ائدیرلر. اردبیلین اسلامدان اولکی تاریخی هله گنیش اویرنیلمه میشدیر، دنیا منبعلری تام آچیللمیشدیر. لاکن موجود اولان سندلر گوستریرکی، اردبیل هله اسلامدان چوخ اول موجود اولموش و بویوک تاریخه مالیکدیر.

هله ۴- جو عصرده ساسانیلر دورونده اردبیل بویوک بیر منطقه نین مرکزی اولموشدور. بو منطقه خزر دنیزی ساحلیندن غرب و جنوب ولایتلرینه قدر اراضینی احاته ائتمیشدیر. بعضی تاریخی منبعلرده، او جمله دن روزا ال صفا کتابیندا اردبیلین هله کیانی شاه لاری دورونده موجود اولدوغو گوستریلیر. بو کیتابدا قید ائدیلیرکی، سوالان داغیندا بهمن قالاسی موجود اولموشدور. بو قالانین فتح اولونماسی کیانی شاه

زاده لری فریبرز و گودرزه هواله اولونموشدور. شرط ایسه بئله ایدی: - کیم قالانی توتا بیلسه، اودا شاه اولاجقدیر.

یاقوت حموی اوزونون «معجم ال بلادان» کیتابیندا اردبیلی ساسانیلر سولاله سیندن اولان فیروز شاهها باغلایر، بو ایسه هجرتدن ۱۶۳-۱۳۹ ایل اول اولموشدور. بعضی تاریخچیلر ایسه اردبیلین هله زردشت دورونده اولماسیندان صحبت آچیرلار. بو نظریه صاحبلی بئله حساب ائدیلمیشدی، اردبیل آدی ایکی زردشت کلمه سیندن، یعنی آرتا «مقدس» و ویل «شهر» دن عبارت اولموشدور. سون ایللرده اردبیل شهرینین داخلینده یرلشن تپه لرین آرخیبوقلار طرفیندن اوبرنیلمه سی نتیجه سینده جمعه مسجدی اوزه چیخمیشدیر. بو مسجد حاقدا بئله فکر سسلنیرکی، مجد بویوک بیر آتش گاه اوزرینده تیکلمیشدیر.

بئله لیکله، اردبیلین وارلیغی اشکانیلر دورونه آید ائدیله بیلر. قازینتیلارین نتیجه سینده تاپیلان ساخسی و قیری قابلار اونلارین ایکی مین ایل تاریخدن اولکی دورده اولماسینی گوستریر. معاصر تاریخچی جناب بابا سفری اردبیلین تاریخی اوچ جلده یازمیشدیر. بو تاریخی اثر « اردبیل تاریخین گوزرگاهیندا» آدلانیر و بو قدیم شهریمیزین تاریخی بویوک و دیرلی خدمت دیر. بوتون بونلار گوستریر کی، اردبیل آذربایجانین ان قدیم شهرلریندن اولموش و طبیعی دیر کی، بویوک تاریخه و مدنی ارثه مالیکدیر.

اردبیلین تک اوزونده دئیل، هم ده اطرافیندا تاریخی یادگارلارا تصادف ایتمک اولور. مدنیتیمیزین دیرلی یادگارلاریندان بیر اردبیلین جمعه مسجدیدیر. بو مسجدیه جمعه مسجدی و یا جامع مسجدی ده دئییلر. اله اولان معلوماتلارا گوره، همین مسجد اسلام تاریخین مختلف دورلرینده بئله آباد و بویوک مسجد اولموشدور. خصوصیه سلجوقلار دورونده اونون عظمتی داها گئنیش مقیاسدا اولموشدور. بو مسجد صفویلر دورونه قدر اوز عظمتینی ساخلایا بیلیمیشدیر (بویوک جامعی، ۱۹۹۰).

آپاریلان تدقیقاتلار (محمود، موسوی و باشقالاری) و قازینتیلار نتیجه سینده احتمال اولونموشدور کی، مسجد قدیم و عظمتلی بیر آتش گاه اوزرینده بینا ائدلمیشدیر. اساسین کوادرات شکلینده اولماسی اونون هله اسلامیتین ایلك دورونده تکلمه سینی گوستریر. سلجوق لار و ایلخانلار دورونده همین مسجد ییندن تیکلمیش و عظمتلی فورما آلمیشدیر. سونراکی تاریخی دورلرده مسجد انسانلارین تجاوزونه معروض قالمیش، اونون ساحه سی اشغال ائدلمیش و اطرافیندا بینالار سالدیمیش، نهایت، ایندیکی چوخ محدود خاربالیقلاری قالمیشدیر. بو مسجد اسلام دورونون ان عظمتلی بینالاریندان بیر اولموش و سون دفة الخانیلر دورونده تمیر ائدلمیشدیر.

مسجدین بیر نچه شبستان سالونو و چوخو ایوانلاری اولموش، اساس سالونون آلتیندا ایسه گنچیدلر اولموشدور کی، اونلاردان یول کیمی استفاده ائدلمیشدیر. مسجدین عظمتلی گونبزی و تاغلاری، هم ده چوخ گوزل میناره لری اولموشدور. بو مسجد کچمیش زلزله لر و طبیعی حادثه لر نتیجه سینده تورپاق آلتیندا قالمیش و تپه یارانمیشدیر. بویوک تاسفله قید ائتمک اولار کی، شهر بلدییه سی کوچه سالما و آبدالیق پروسسینده آغیر بولدوزلردن استفاده ائتمیش و بونون نتیجه سینده مدنی ارث میزین معین بیر حصه سینه خیلی زیان دیمیشدیر.

حاضرده اردبیلین «مدنی ارث» موسسه سی طرفیندن تپه حاصارا آلمیش و تدقیقاتلار آپاریلیر. اردبیل شهری و اونون اطرافیندا آپاریلان قازینتیلار نتیجه سینده آذربایجانین قدیم تاریخینه و مدنیتینه عاید چوخو قابلار و باشقا شیلر تاپلمیشدیر کی، اونلارین بعضی لرینین بارانماسی اوچ مین ایلدن آرتیق بیر دورو احاطه ائدیر. مسجدین اوزون تاریخی دور اوزینده اوچولوب داغیلما سینه باخمایاراق، او هله ده اوز عظمتینی ساخلایر و گوستریرکی، بو دیار بویوک افتخارلی تاریخه مالک اولموشدور.

اردبیل شهرینه تاریخی شهرت گتیرن شیخ صفی الدین بینا کمپلکسی اولموشدور. بو بویوک، گوزل و دیرلی آبیده عارف ربانی شیخ صفی الدین اردبیلی آدی ایله مشهور اولموشدور. شیخ صفی الدین صفوی شاه لارینین باباسی اولموشدور. عابیده نین تیکلیشینده شیخین وفاتیندان سونرا ۷۳۵ هجری قمری ایلینده اونون اوغلو صدرالدین موسا طرفیندن باشلانمیشدیر. بینانین تیکینتییسی اوزون مدت آپاریلمیشدیر. محض صفوی لر دورونده بینانین عظمتلی تیکینتییسی باشلانمیشدیر. بو اونولا ایضاح

اندیلیرکی، صفوی شاه لاری ئوز بابالارینا چوخ بویوک حرمت بسله میشلر. بینانین تیکینتیسی و خصوصیه بزک ایشلری بیرینجی شاه عباس طرفیندن باشا چاندیرلمیشدیر. شاه عباس باباسی شیخ صفی الدینی چوخ ایسترمیش. بئله کی، هر فرصتدن استفاده ائدرک اونون قبرینی زیارت ائدرمیش. معلوم اولدوغو کیمی، صفوی شاه لاری علم، صنعت و خصوصیه مدنیتین انکشافینا چوخ فکر وئر میشلر. بئله کی، اول کی شاه لارلا مقایسه ائدیرسه، صفوی دورونده علمی و مدنی انکشاف داها دیرلی اولموشدور. بو ئوزونو شیخ صفوی نین مقبره سینین معمارلیق اسلوبوندا و بزک ایشلرینده گوستریر. شیخ صفی مقبره سی اصل هنر نمونه سی اولموش و صفوی لرین شهرتینی آتیرمیشدیر. صفوی لر دورونده ایراندا علم و مدنیتین انکشافی ئوزونو علم اوجاقلارینین، دینی مدرسه لرین یارانماسی و گنیش فعالیتینده، کورپو و کاروانسارالارین، آبیده و مسجدلرین ئوزونه مخصوص معمارلیق اصلو ایله تیکلمه سینده بیروزه وئر میشدیر کی، بودا او دورون خصوصی سیاسی، مذهبی، اجتماعی شرایطیندن ایرلی گلمیشدیر. بونون باشلیجا سبب لریندن بیریده شاه اسماعیل دورونده ایرانین سیاسی اقتصادی و دولت قورلوشونون تکمیللشمه سی، وحدتی و اونون قدرتلی

دولته چوریلمه سی ایله ایضاح ائدیلیر. بونودا قید ائتمک لازیمدیر کی، ایران ایکی بویوک امپریا (شرقده و غربده) آراسیندا اولوب ئوزونون خصوصی ایدیاو اگیاسینی یارتمیشدیر. او، هم ده بو ایکی امپریانین رقابتی قارشیسیندا دورمالی ایدی. بوتون بو داخلی و خارجی عاملرین تاثیر نتیجه سینده ئولکه ده علمی انکشاف، اصلینده رنسانس باش وئر میشدیر. صفوی شاه لارینین ئوز بابالارینا درین حرمتی بو مقبره کمپلکسینین تیکیلیب و بزمنه سینده ئوزونو گوسترمیشدیر. بو ایشده دورون بویوک اوستا و صنعتکارلارینین دوها سیندا استفاده ائدیلیمیشدیر. بینانین دوارلاری خصوصی انجه لیکله بزکلی چاشی لارلا بزمنیش، خصوصی گچ لردن کتیبه لر یارادیلیمیش، قیزیل و گوموشدن بزک ایشلرینده استفاده ائدیلیمیشدیر. ایزی ایلر و وقت کئچمه سینه باخمیاریاق، بو گونده بینا ئوز گوزلیگی ساخلایر، تاماشیچیلاری و صنعت اوستالارینی حیرته گتیریر. بینانین یازیلارینی ایرانین گورکملی خطاطلاری میر عماد، میر قوامددین، محمد اسماعیل و باتشقالاری یالزمیشلار. بونلار اصل صنعت نمونه سیدیر.

دوارلاردا چوخ نادر منبتکالیق، قیزیل و گوموشله ایشلنمیش شکل و تابلولار موجودور کی، بو کمپلکسی دیگر عابده لردن فرقلندیریر. صفوی لر سلاله سی ئوز باشلانغیجینی شیخ صفی اددین اردبیلین گوتورور. شیخ ئوز دورونون گورکملی عالمتریندن اولوب ئوز انسان پرورلیگی و نجیبلیگی ایله معاصرلری ایچری سینده مشهور ایدی. شیخ صفی اددین هله یاشایارکن بویوک اوغلو صدردین موسانی ئوز جانشینی تعین ائدیکی، اودا ۶۰ ایل خالقین مدنیتینه خدمت ائندی. صدردین موسادان سونرا اونون اوغلو خواجه علی سیاه پوش صفوی سلاله سینه رهبرلیک ائندی. او، چوخ سوادلی و اعتقادلی شخصیت ایدی. ماراقلی دیرکی، امر تیمور خواجه علی یه چوخ حرمت ائدیردی. تیمور شیخ صفی اددینه دورون بویوک بیر رهبری کیمی باخیردی و اونون قبرینی همیشه زیارت ائدیردی. تیمور عثمانلی دولتی ایله محاربه ائدیکدن سونرا غلبه چالیر، چوخلو غنیمت و عصرلرله سمرقنده قاییدارکن خواجه علی ایله گوروشور. افتار ائدرکن خواجه علی خورک یئمیر، تیمور سببینی سوروشدوقدا خواجه طلب ائدیرکی، او، ترک اثرلرینی بوراخسین. تیمور خواجه نی ائشیدیر و اسیرلری بوراخیر. بو حادثه ترک اثرلرینی صفوی لر سلاله سینه یاخینلاشدیریر. ائل باشچیلاریخواجه یه ئوز صداقتلرینی بیلدیریرلر و صفوی لرین طریقه تینه جلب ائدیلیرلر. بونلار سونرالار قزیل باش دویوچولرینی تشکیل ائدرک صفوی لرین حکومتین اساسینی قویورلار. خواجه علی مکه دن قایدارکن بیت ال مقدس ده وفات ائدیر.

خواجه علی دن سونرا اونون اوغلو شیخ ابراهیم سلاله یه ۲۱ ایل رهبرلیک ائدیر. وفات ائدیکدن سونرا اونو ئوز جددینین مقبره سینده باسدیریرلار. سونرا ابراهیمین اوغلو شیخ جنید صفوی مریدلرینه رهبرلیک ائدیر جنید دورونده قزیل باشلارین قدرتی آرتیر کی، بودا جهان شاه قاراقویونونو دهشته سالیر. جنید مجبور اولاراق اردبیلی ترک ائدیر و دیار بکره گئدیر. اورادا حسن بگ آغ قویونلو طرفیندن صمیمی قارشیلانیر. سونرالار اوزون حسنین باجیسی خدیجه بگیم ایله شیخین نگاهی کسلیلر و قوهوم

اولورلار. بو قوهوم لوق شیخه قدرت گتیریر. لاکن شیخ بیر انتریقانین قربانی اولور و قافقاز چرگزلی طرفیندن شیرواندا اولدورولور. شیخ دن سونرا اونون اوغلو سلطان حیدر صفوی لر سلاله سینه رهبرلیک ائدیر.

سلطان حیدر نوز داییسی اوزون حسن آغ قویونلونون قزینی آلیر و صفوی سلاله سیله آغ قویونلولارین بیرلیگی داهادا

محکمه نیر. سلطان حیدر شیروان و وروشمالاریندا قتله یئتریلیر و اردبیلده نوز جدیدین یانیندا باسدیریلیر. بئله لیکله، صفوی سلاله سینین طالعی سلطان حیدرین اوغلو شاه اسماعیلین الینه دوشور. شاه اسماعیل صفوی لرین شاه لیغینی یارادیر.

شاه اسماعیل قدرتی بیر شاه اولور و ایران تاریخینده بویوک یئر توتور. صفوی سلاله سینین بوتون گورکملی شخصیت لری کیمی شاه اسماعیل دا شیخ صفی مقبره سینده نوز جدیدین کناریندا باسدیریلیمیشدیر. اونون قبری بو گون آذربایجانلیلارین زیارتگاهینا چؤریلمیشدیر. شیخ صفی آبیله سی اردبیلین عالی قاپی میدانیندا یئرله شیر. هله ایکینجی شاه عباسین دورونده چوخ نادر کاشیلردان دوزدیلیمیش گیریش سوکولموش و اونون کاشیلاری آبیله نین انبارلاریندا ساخلانیمیشدیر. عابده یه گیریش ایکینجی شاه عباس طرفیندن تاخدادان دوزلدیلیمیش قاپیدان باشلانیر. بیرینجی حیطده ایکی حوز و وار، ایکینج حیطده ایسه بالاجادیر و اورادان عابده نین اساس سالونلارینا داخل اولونور. صحنه گیریشینده بویوک بیر تاغ گورونور کی، بویوک گوزلیک اوستالیقلا اینشا ائدیلیمیشدیر. بورادا شاه عباس موسوی صفوی آدی بیر کتابه ده گوزه دیر. صحنین جنوندا یاریم دایره شکلینده ایکی اوتاق وار دیر. بو اوتاقلار ایسه بیر چرخیش واسیطه سیله ایکی آیری اوتاقلارلا بیرله شیر. همین تاغ لارین اوستونده مختلف کیتابه لر موجود کی، بونلارین اکثریتینده قرآن آیه لری یازیلیمیشدیر. بورادا هم ده جنت سرا مسجدی موجودور. بو مسجد ۸ گوشه لیدیر اورادا محراب یوخدور کی، بودا همین مسجدین عارفترین سیغیناجاق سالونو کیمی استفاده ائدیلیمیش. بو بینانین اساس حصه صینی قندیل خانا تشکیل ائدیرکی، بودا ایکی مرتبه نی توتور. اونون پنجره لری و عمومیتله چول بزلی چوخ ماراقلی منظره یارادیر. آشاعی مرتبه ده (بیرینجی و ایکینجی مرتبه لر آراسیندا) بیر مرمر داش اوستونده شاه طحماسیب صفوی نین فرمانلاری یازیلیمیشدیر. قندیل خانا نین جنوب غربینده عظمتلی بیرگومبز موجودور کی، بیر قالا کیمی شیخ صفی اددینین قبرینی نوز قوینونا آلیر. بورادا چوخلو کیتابه لر موجودور کی، بونلارین بعضی لرینده محمد پیغملرین کلاملاری یازیلیمیشدیر. بوتون بونلار شیخ صفی اددین کمپلکسینه خصوصی گوزللیک وئریر. کمپلکسه گیریش قاپیسی چوخ عظمتلیدیر. او، ۱۰۱۱ - نجی هجری قمری ایلینده گوموشدن دوزلدیلیمیشدیر. بو قاپی بیر دهلیزه بیرلشیر. ایکینجی گوموش قاپینی بویوک صنعتکار امیر اسدالله اردبیلی ۱۰۲۰ هجری قمری ایلینده دوزلتمیش و او، خصوصی گولرله بزیمیشدیر. بینانین غرب گوشه سینده، شاه اوتوران یرده تاریخی و قیمتلی شیلر ساخلانیلیر. بو گوشه ایله اؤز به اؤز صفوی لر سلاله سینین بانسی بیرینجی شاه اسماعیلین مقبره سی یرلشیر. بو مقبره دورد گوشه لیدیر، اونون اوستونده چوخ عظمتلی بیر گومبز وار دیر. گومبزین اچریسینه قزیلا بزک وورولموش، رسم اثرلری چکیلیمیش و گومبزین دیوارلاریندا اوستا علی رضا عباس طرفیندن یارادیلیمیش بیر کیتابه وار کی، چوخ گوزلدیر. قبرین اوستونده چوخ قیمتلی و حقیقه تن دیرلی صنعت اثری اولان بیر ساندیق قویولموشدور. بو ساندیق صفوی دورونون ان گوزل ارتیدیر. بو ساندیقا خاتم کارلیق ائدیلیمیش فیل سومویو و فیروزه ایله بزک وئرلیمیشدیر. یوز ایلرله خارجی و داخلی توریستلر، عالم و موحققیقلر بو بویوک صنعت اثرینین ئیرلی بیر مدنیهته منسوب اولدوغونو گوستریرلر. شیخ صفی کمپلکسی غرب و شرق دولت لرینین نظرینی همیشه جلب ائتمیش و طالانچیلار آذربایجان مدمیتینین بو دیرلی اثرینی غارت ائتمیشلر.

بو گون لندنون، پتربورقون، فرانسانین موزیلرینده و باشقالاریندا ایران و آذربایجان مدنیتینین اثرلرینی گورمک الار. ماراقلیدیرکی، روس قوشونلارینین ایرانا باسقنلاری دورونده شاه اسماعیل مقبره سی اوزرینده اولان ساندیقی آپارماق ایسته میشلر، لاکن مقبره ائله قورولموشدور کی، بینا اوچولماسا ساندیقی آپارماق اولماز. بونو گورن روس قوشون باشچیلاری ایران منبعلرنده لرینه مراجعت

اؤدرک دئمیشلر کی، ساندیقی بیزه وئرین، سیزین شهره دمیر یولو چکک. لاکن بو حیلہ گرلیک باش توتمامیشدیر. بو گون همین ساندیق ایرانین تاریخی نین دیرلی اثری کیمی ساخلانیلیر و اونو گورنلره روحی قیدا وئریر. بو مقبره ده بیر گوموش قاپی دا واردیر کی، دهلیزده حرمخانه قیبرلری پرلشن بینایا آچیلیر.

شیخ صفی کمپلکسی دنیادا مشهورلارین اونون نادر مدنی عابده اولماسی ایله یاناشی، اورادا اولان چینخان اولموشدور. چینخانه و یا چینی قابلا موزی قندیلخانانین شرق حصه سینده یرلشیر. چینخانادا ۴ شاه اوتوران تاخت وار. بورادا اوتاغا بنزر حیصه لر حدیندن گوزل بزیه مالیکدیرلر. ان دیرلی کاشی ایشلری، رسم اثرلری، گجله ایشله میش گوشه لر موجوددور و بونلار دنیانین ان اهمیتلی تاریخی یادیگارلاریندان حساب اندیرلر. دیوارلار قزیل، گوموش و سایره. قیمتلی متالارلا بزدیمیشدیر. بو چینخانالاردا صفوی دورونون دیرلی قزیل، گوموش، چینی قابلاری ساخلانیلیردی. بورادا اساسا بیرینجی شاه عباسین تشبوسو ایله چینده حاضرلانیلمیش مختلف چینی قابلا ساخلانیلیردی. بو چینی قابلا دنیادا ان قیمتلی قابلا حساب اندیلیر. تاریخ بویو بو قابلا رین بیر قیسمی آرادان گنتمیش و اوغورلانیلمیشدیر. بو قابلا رین بیر قیسمی ده تهران و تبریز موزیلرینده ساخلانیلیردی. آذربایجان و ایران مدنیتی نین فخری اولان شیخ صفی کمپلکسی ایللر اؤتوکجه خارابلاشمیش اولکی گوزلینی بیر قدر ایتیرمیشدیر. سون ایللر «مدنی ارث» تشکیلاتی طرفیندن بو تاریخی آبیده نین احیا اندیلمه سی قارشیا قویولموشدور. آرتیق چینی خانادا برپا ایشلری آپاریلیمیش و تاریخی اکسپوناتلارین بیر قیسمی چینی خانایا قایتاریلمیش و تاماشایا قویولموشدور. بونو دا قید ائتمک لازیمدیر کی، بو عابده نین تعمیر و برپاسی چوخ دا آسان دئیلدیر. برپا ایشلری تمکینه آپاریلمالی، بو ایشده ایرانین و آذربایجانین پشه کار موتخصیصلریندن و برپاچیلاریندان استفاده اندیلمه لیدیر. بورادا چوخلو دیرلی خالچالار دا واردیر کی، بونلارین بعضی لری زدنمیش و سیرادان چیخمیشدیر. لاکن خوشبختلیک اوندادیر کی، اردبیلده بویوک خالچا اوستالاری موجوددور. بو ایلین فورال آیندا بو بویوک عابده ایله تانیش

اولارکن اورادا دقت له خالچا توخویان چوخ دیرلی خالچا اوستاسی آقای رحیم نورزی اله گوروشدیک. پشه کار صنعت کار دقت و بویوک زحمته ۳۵۰ - ایلیک تاریخه مالک اولان و اوزون زمان ارضینده سیرادان چیخمیش خالچانی ینیدن توخویوردو، خالچا حدیندن آرتیق نفیس و گوزل خالچا اولموشدور. بیر بو امک سؤر انساندا، آذربایجانین مدنیتی خادیم ایله دانیش دیقدا بئله بیر نتیجه یه گلدیک کی، نه قدر بئله نجیب انسانلار یاشایر، آذربایجان مدنیتی یاشایاجاقدیر. بیر مسئله ده بیزیم نظریمیزه ئوزونه جلب ائندی بیزه دئیلدیکی، اوستاد نوروزی برپا ایشلرینین بیر حصه صینی ئوز خرجی ایله آپاریر. بیز بو کمپلکسی ترک اؤدرکن شبهه ائتمیردیک کی، بئله فداکار انسانلاری اولان آذربایجانین مدنیتی چیراغی دایما یاناجاقدیر.

\*\*\*\*\*

**Azərbaycan qəzeti**  
**5- ci dövr 50- ci nömrə. Noyabr 2008**  
**Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi**  
**[www.adf - mk.org](http://www.adf-mk.org)**

**باش رداکتور: امیر علی لاهرودی**  
**قزئت تحریریه هئیتی طرفیندن نشر اولونور**  
**قزئتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر**  
**[E- mail info @ adf - mk.org](mailto:info@adf-mk.org)**